

شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خوهان

مدرسه علمیه ریحانه

شهرستان اصفهان

تربیت کودک از منظر امام صادق (ع)

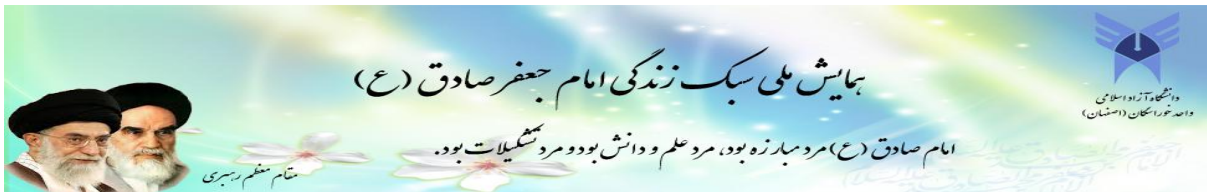
تهیه و تنظیم: منصوره کریمی

مدرسه: ریحانه- اصفهان بلوار کشاورز، خ شهید مفتح جنب شهرداری منطقه ۱۳

پاییز ۹۲



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



تربیت کودک از منظر امام صادق (ع)

منصوره کریمی*

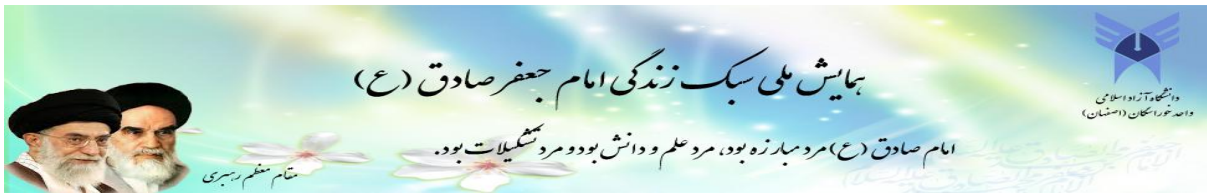
چکیده

نسل جدید انقلاب با بحران کمبود معارف دینی رو بروست. اکثر خانواده ها دوست دارند فرزندان با ایمان داشته باشند. اما کمبود متون دینی و کاربردی مفید در زمینه تربیت کودک، نبود افراد صاحب فکر ایست که دارای تجربه ی ارتباط طولانی با کودکان باشند. اغلب افراد صاحب فکر، محدوده ی ارتباط آنها با کودکان در حد فرزندان خودشان یا جلسات سخنرانی برای والدین آنها است و این گروه اکثر وقت خود را به کارهای فکری صرف میکنند. به همین دلیل بیشتر اهل کلی گویی هستند و از مسایل جزئی و کاربردی اطلاع کمتری دارند و سخنرانی های آنها تأثیری کمی دارند و کمتر کار اجرایی در ارتباط کودکان دارند.

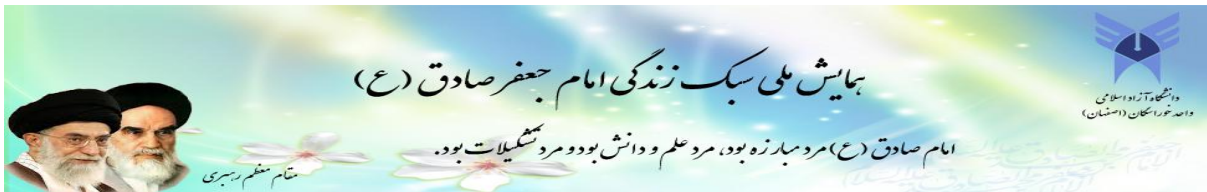
گروه دیگر افراد موفق در زمینه ی ارتباط کودکان هستند اما توانای اینکه جزئیات بدست آمده را به اصول کلی مرتبط کنند، ندارند. به تبع توانای نگارش کتاب کاربردی برای تعلیم تربیت کودک به خانواده ها را ندارند. در این مقاله سعی بر این بود که ارتباط جزئیات با کلیات برقرار شود. اغلب احادیث امامان نیاز به تشریح دارد و باید بادر نظر گرفتن زمانه از آنها سبک زندگی را استخراج کرد.

کلید واژه ها: تربیت دینی کودکان، سبک زندگی دینی، امام صادق (ع)، زندگی مدرن.

*طلبه سال دوم حوزه علمیه ریحانه اصفهان



شماره صفحه	فهرست مطالب
۲	چکیده
۳	مقدمه
۴	جایگاه مادر
۵	زمینه های تربیتی قبل از تولد
۵	۱-مرحله اول :
۶	۲-مرحله دوم :
۷	زمینه های تربیتی پس از تولد
۹	زمینه های تربیتی دوران کودکی
۱۰	رعایت بهداشت روانی و جسمی
۱۰	رعایت اصول و آداب جنسی
۱۰	جلوگیری از تحریک زودرس غریزه جنسی
۱۱	رعایت عواملی که امکان دارد سبب بیداری زودرس غریزه جنسی شوند:
۱۵	عفت جنسی والدین
۱۷	تربیت دینی کودکان
۱۷	محدودیت یا مصونیت
۱۸	فرزندانی جسور
۱۹	بهادادن به کودکان
۲۰	آموزش آموزه های دینی
۲۰	هفت سال بازی
۲۲	هفت سال بندگی
۲۳	هفت سال مصاحبت
۲۴	نماز
۲۵	مجالس اهل البیت
۲۶	نبوت و امامت
۲۷	معاد
۲۷	روزه
۲۸	اثر گناه در کودک
۲۹	بازی کودک از منظر اسلام



۳۲

نتیجه گیری

۳۳

فهرست

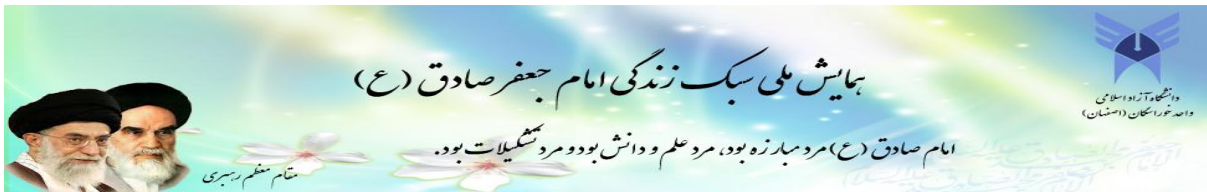
مقدمه

در زندگی دینی اصالت با خدا است و زندگی بر محور خدا مستقر است. هدف این است که انسان فانی در حق شود، زمین، زمان، همسر و فرزند همه وسیله نیل او به اهدافش هستند. خداوند از روح خود در جنین دمید تجلی آن نور، کاملترین تجلی خدا در بعد مادی، یعنی انسان، بوجود آمد. روح او را که به القوه آن نیز توان انسان شدن داشت، در اختیارش گذاشتند تا بارسیدن به اسماء الهی به صورت انسان محشور گردد و شایسته ی قرب الهی شود تا با پرورگارش ملاقات کند.

دقتی کوتاه در اسماء الهی انسان رابه این نتیجه میرساند که چقدر از هدف آفرینش دوراست، تاجایی که بسیاری از افراد توان لیست کردن اسماء را هم ندارند، چه برسد به اینکه آنها را درک کرده باشند و غایت خود را در جامع اسماء الهی شدن ببینند. امروزه انسانها فهم اسماء الهی مانند رزاق بودن خدا که به گوش همگان رسیده است ناتوانند، مردم آنچنان سرگرم بدست آردن مال دنیایند که نشانی از اعتقاد به این اسم را به ندرت می توان در افراد دید. مثلا کارمندی رادر نظر بگیریید که ازدولت حقوق میگیرد، آیا واقعا آنقدر که دولت رادر دیر یا زود دادن حقوق موثر میدانند خدارا در رساندن یا نرساندن رزق دارای اثر میدانند؟ آیا آنقدر که ترفیع درجه، برای زیاد شدن حقوق را عامل می بینند، خدا را در مشخص کردن مقدار رزق علت میدانند؟

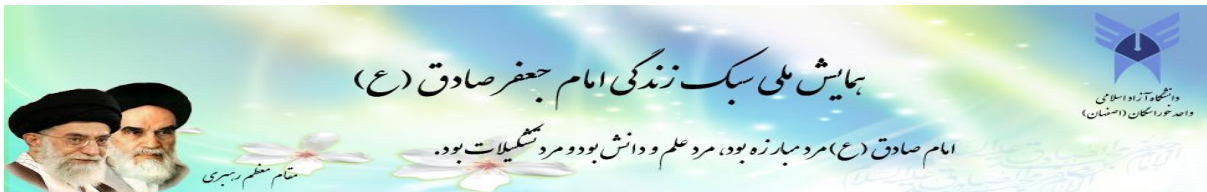
اما در عمل! توجه کنید در عمل! به خیال باطل خود خدا راتنها ناظر میدانند که آنها رابه حال خود گذاشته و فقط خود وتلاش های خود را در رسیدن به خواسته هایشان موثر میدانند. اگر مالی رادر راه خدا صرف کردند، آنچنان بر سر خدا منت میگذارند، که هر کس نداند فکر میکند، دنیا مال مآنها بوده که حالا خدارا به عنوان خالق آن برگزیده اند؟!

سبک زندگی دینی در عالم دینی است که معنا پیدا می کند. منظور از علم دینی چیست؟ درعالم دینی که آنرامیتوان به عالم برخی نوجوان امروزی شبیه دانست، که وقتی جذب یک فوتبالیست یا بازیگر می شوند. آنقدر تغییر میکنند که برای خانواده اش هم غریبه میشود و تربیت قبل او در عالم جدیدش محو میشود. ازلباس پوشیدن تاحرف زدن حتی غذاخوردن. در واقع خود را در عالم آن شخصیت غرق می کند. می کوشد تا مانند او شود، غذا های که تا



پیش از این از آنها متنفر بود، چون شنیده است که شخصیت محبوبش آن غذا را دوست دارد، با لذت می خورد، در صورتی که اگر پیش از این هزار دلیل علمی در فواید آن برایش می آوردند حاضر نبود لب به آن بزند. انسانی که دارای عالم دینی ایست؛ مجذوب خداست؛ هر آنچه او را از حضور در محضر حق دور میکند، به راحتی کنار میزند. زیرا لذت با خدا بودن راجحه است. در تمام حرکات و سکناتش حتی خانه و کاشانه اش این عالم حس میشود. به طوری که نظر به صورت او هم آرامش بخش است. هنگامی که در کنار او بی بودنش را در عالم دیگر احساس میکنی این انسان اگر چیزی هم ساخت؛ میشود مسجد شیخ لطف الله در اصفهان، که خود مکان هم برای به وحدت رساندن انسان تلاش میکند. زیرا خدای او خدای اثباتی و برهانی نبوده، خدایش دیدنی است خدا دان نبوده که با اطلاعات بخواهد خدایش را حفظ کند. خدا دار بوده، خدایش او را حفظ می کند. به دینش از ترس عذاب و وعده ی بهشت عمل نمی کند، تا آنرا بار سنگینی بر دوشش احساس کند. او عقل و قلب و جسم خود را در زلال اقیانوس حق فانی کرده به همین علت غیر از حق از او صادر نمی شود. اما صد افسوس که دنیای مدرن چقدر خالیست از این مکانها و عالمها. پی ریز دنیای مدرن شیطان است، ان را از باطل پر کرده جستجوی حق در لابلای آن کاری عبس و بی سرانجام است. سخن این نیست که تکنیک مدرن مفید نیست. حرف این است که شفای دل های کثرت زده انسانها در فضای مدرن آن نیست. همانطور که شاید به نظر دکتران در شراب فایده برای بیماری کلیه باشد ولی شفای هیچ بیماری در آن نیست چون خداشمارادر حرام قرار نداده. همانطور که وحدت حق رادر کثرت باطل مدرنیته قرار نداده. پس آیا انسانها دچار جبر زمانه اند و کاری از آنها ساخته نیست؟ و نباید دنبال زندگی دینی باشیم؟ قطعاً این طور نیست این صرفاً هشدری ایست برای آنکه توجه به فواید شراب انسان را غافل نکند که آن را نسخه شفا بخش خود بدانند. نخواهید با ترجمه و تحلیل احادیث فکر کنید به این راحتی می توان بک دندگی دینی در آورد و در عالمی که سرتا پای آن را مدرنیته تغییر داده است خدا دار شد. مسلماً صورت کامل سبک زندگی دینی در عالم بقیه الله محقق خواهد شد.

روش این مقاله کتابخانه ای است، به این ترتیب که به وسیله ی بررسی مدارک از طریق آیات و روایات و منابع و متون کتابخانه ها به رشته ی تحریر در آمده است.



۱- جایگاه مادر

امام صادق (ع) فرمودند: «خوشا به حال کسی که مادرش عقیقه باشد.»

(مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۲۵۸)

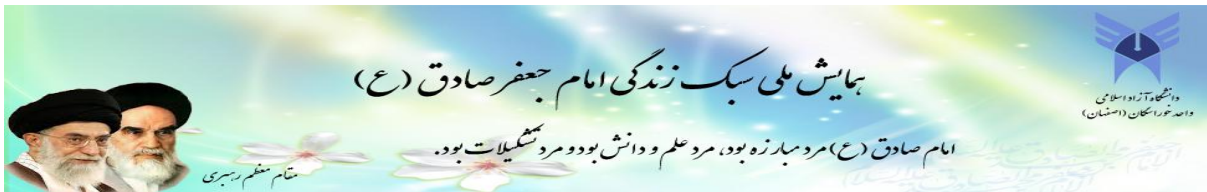
طبق این فرمایش اولین چیزی که باید در تربیت فرزند مورد توجه قرار گیرد وسایل تولید فرزند یعنی پدر و مادر هستند که از لحاظ رتبی وزمانی بر عوامل دیگر مقدمند. برای تربیت فرزندان صالح ابتدا لازم است پدران و مادران خود عملا و علما شایسته باشند. زیرا مجموعه گفتار و رفتار آنها صفات و عادات فرزندان را می سازد.

در حدیثی دیگر آنحضرت می فرمایند: «زن به منزله ی گردنبنده است بنگر چه گردنبندهی به گردن می افکنی؟ زن چه شایسته و چه ناشایست همتا ومانندی ندارد اگر زن خوب و نیکوکار باشد، شرافت و ارزش او برابر طلا و نقره نیست او از طلا و نقره بالاتر است و اگر بدو ناشایست باشد با خاک هم برابری نمی کند خاک از او بهتر است.

(حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، المکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷، ج ۲۰، ص ۳۲، ح ۱۶)

مادر آن حضرت فاطمه زهرا (س) عین بندگی و فنا در راه خداوند است. مادران امروز باید مقام زن بودن و

ومادری را از ایشان بیاموزند. مگر نه اینست که خداوند انبیا وامامان را وسیله اتصال ما به خدا قرار داده، پس کامکتترین برنامه انسان ساز راهم تنها در دستان آنان می توان یافت. در این مکتب است که زن انگونه که باید باشد می شود و به مرتبه ای می رسد که بهشت زیر پای او قرار می گیرد. مقامی که به غلط فکر می کنند به هر کس که فرزندی به دنیا آورد و نام مادر را به او نهند می دهند. اما چه خیال باطلی چه بسیار مادرانی که خود و خانواده شان

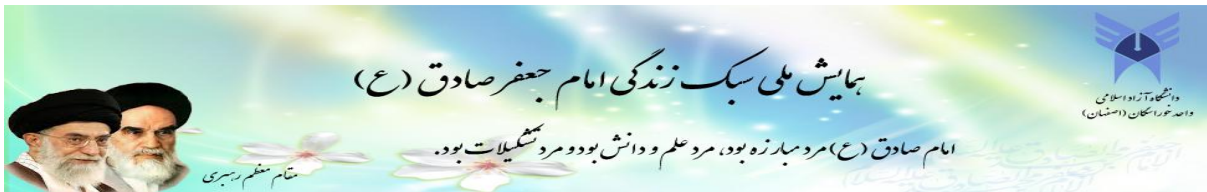


را به قعر جهنم میکشند. حتی مادر دینداری که در مقابل بی حجابی دخترش بی تفاوت است، جایگاهش در دوزخ است، چه رسد به بی دینان.

دامان مادری که بهشتی است، مکان مطهری که نه تنها فرزندان را سمت سوی بهشتی می دهد، با پاکی خود آلوده گی های آنها رانیز پاک می کند. با اشک های نماز شب هایش، روح فرزندانش را سیراب میکند. حضرت فرمودند « زن همتایی ندارند» در دنیای کثرت زده امروز چنین مادران بی همتایند که مارا به اهل بیت وصل می کند تا وحدت احدی را در جان خود احساس کنیم. آنها برای خود هیچ نمی خواهند با افتخار دسته گل های تازه شکفته اشان را تقدیم اسلام می کنند. مادران بهشتیند که نفخه های الهی را احساس می کنند و خود و خانواده اشان را در معرض آن قرار میدهند. مادر عوض مادرانی که برای اشباع حس مادری خود فرزند می آورند و از کودکی او را چون عصای برای پیری و تنهای خود می دانند. آیا حاضر است عصای خود را تقدیم اسلام کنند؟ آنها اسلام را هم برای خود می خواهند.

برنامه های اسلام برای کسی که خود می خواهد رنگ الهی بگیرد تا فرزندش را الهی کند معنا پیدا می کند و گرنه انجام دادن سوری آنها حیات بخش نیست، مانند زیاد شدن تمایل انسانهای غربی در خوردن غذاهای حلال، درست است خالی از فایده نیست، اما این فایده کجا و آنچه مد نظر اسلام است کجا. او غذای حلال می خورد که تنش سالم بماند، نه آنکه غذای حلال بخورد چون خدا فرموده و او عبد خداست، خود را در امر خدا فانی می کند، تا فقط خدا تجلی کند. اما آن انسانی که برایش سلامت تن مهم است تازه احساس برتری از خدا هم می کند، با خود فکر می کند که من انسان، چقدر بزرگم که خداوند برنامه ریخته که من سالم باشم.

فکری که گرفتار مذهبی های ما هم شده نمود، آنرا در تفسیرهای انسان محور از احادیث اهل البیت می توان دید. مثلا بسیار شنیده ایم که در تبیین حدیث پاکیزگی نیمی از اسلام است، آنرا به بهداشت بدنی و مادی محدود کرده اند، تا جایی که متاسفانه به راحتی آنرا به درو دیوار دستشویی ها می نویسند و به نظرشان تبلیغ اسلام هم می کنند. در حالی که اگر نیمی از ایمان ما با پاکیزگی کامل میشد! باید حضور قلب ما زمانی که قبل از نماز حمام برویم بازمانی که نرفته باشیم فرق کند، چطور اگر انسانی کمی خوب شود نه تنها خودش بلکه دیگران هم در ک میکنند، اما نیمی از ایمانش کامل شده باشد خودش هم درک نکند؟ جای تامل ندارد! در این حدیث منظور تطهیر پلیدی های غیر خدای است که روح انسان را تاریک کرده و مانع تابش تجلی نور خدا شده، همین که این آلودگی ها را کنار بزنیم نوازش انوار الهی به قلبمان را احساس خواهیم کرد. تلاش ما باید این باشد که احادیث را در دستگاہی خدامحور تفسیر کنیم و گرنه هم به خود ظلم کرده ایم هم حق حدیث را درست بجا نیاورده ایم.



۲-زمینه های تربیتی قبل از تولد

پس از ازدواج ، فرایند تربیت فرزند را میتوان به چهار مرحله تقسیم کرد که هرکدام نیز به مراحل جزئی تر تقسیم می شوند. ماقط در اینجا به تعدادی از آنها می پردازیم .مرحله اول چهل روز قبل از بارداری است .مرحله ی دوم دوره نه ماه ی بارداری و مرحله سوم دو سال شیرخواری و مرحله آخر از پایان شیر خواری تا انتهای عمر را شامل میشود.

۲-۱-مرحله اول :

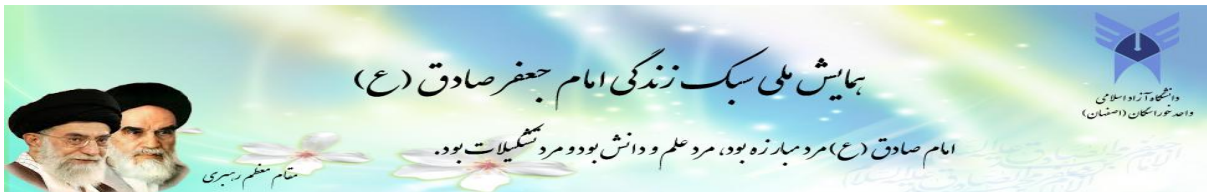
در چهل روز قبل از بارداری پرهیز از غذاهای شبهه ناک باید به طور جدی دنبال شود. زیرا اثرات مضر آن تاثیر فراوانی بر روح و روان کودک میگذارد. به طوری که نقل شده تاثیر خوردن یک بار مال حرام در این دوران برابر است با یک سال خوردن مال حرام برای فرد ۴۰ساله . پس باید از هر احتمال شبهه دوری کنیم، چون این عمل عقوبت بزرگی دارد. به همین علت سفارش شده در صورتی که غذایمان از مالی که، شبهه ی حرام بودن داشت تهیه شده، به اندازه ی آن مال پولی به عنوان رد مظالم داده شود. اگر شبهه ی اختلاط مال حرام به حلال وجود داشت، به اندازه ی آن میتوان صدقه داد و اگر شبهه ی تعلق خمس بودن در آن بود، با دادن یک پنجم از مال به عنوان خمس میتوان با آسودگی خاطر از آن استفاده کرد.

این مرحله مراقبت هم شامل پدر میشود و هم مادر زیرا اسپرم از پدر است و تخمک از مادر. به همین علت در تاریخ داریم که پیامبر ۰۴روزی را که در غار حرا خلوت کرده بود، از همسرش خدیجه نیز خواسته بود که این ۴۰ روز را در خانه بماند و به عبادت مشغول باشد. تا وجود آنها شایسته ی دریافت نور حضرت زهرا گردد.

از شب های بسیار مهم در این دوره آخرین شبی است که قرار است جنین تشکیل شود، بهتر است با دعا و نماز و با دوری از گناه سپری شود و حتما از غذای خانه خورده شود. آنقدر این شب مهم است که در روایات به ساعات و روز آن نیز توجه شده زیرا هر روز و ساعتی پذیرش تجلی نور حق را ندارد. مانند شب قدر که تنها فقط همان شب ظرفیت نزول روح و ملائکه و نزول دفعی قران را دارد.

۲-۲-مرحله دوم :

بعد از تشکیل جنین دوران نه ماه ی بارداری آغاز میشود. تاثیر گناه در این زمان از مرحله قبل کمتر است. اما دعاها و نمازهای سفارشی و نوع غذاها ی بیان شده در این مدت بیشتر است و این نشانه ی اهمیت این دوره را میرساند.



زیرا در چله نشینی قبلی مادر و پدر از گناهان پاک شده اند و آماده ی پذیرش انسان کامل شده اند در این دوره فرزند هم همراه مادر است و دارد از درون مادر نقش میگیرد، به طوری که طبق تحقیقات جدید گوش دادن قران از درون رحم مادر در حافظ قران شدن فرزند نقش به سزایی دارد. چون جنین در این دوران توجه اش به امور دیگر کمتر است آنچه یاد گرفته است، مانده گار تر است و جالب است که هر ماهی از این دوران غذا دعا و نماز مخصوص به خود را دارد که جا دارد در این زمینه هم تحقیقاتی شود تا به زیبایی علت های آن پی برده شود.

در این مرحله پدر نقش بهترین پشتیبان را دارد و به غیر از مهیا کردن شرایط مناسب مادر و جنین وظیفه نامگذاری فرزند را هم دارد زیرا توصیه شده است، نام کودک قبل از آنکه روح به جنین دمیده شود، مشخص شده باشد.

نام خوب برای فرزند اثر روحی و روانی بر شخصیت کودک میگذارد. در این زمینه امام صادق (ع) میفرمایند:
 «رسول اکرم (ص) اسماء قبیح مردم و بلاد را تغییر میداد»

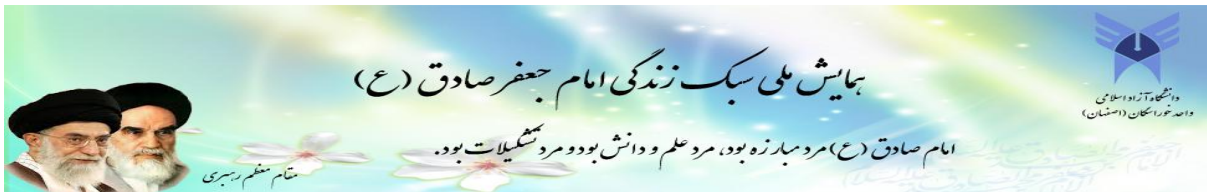
(حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، المکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ج ۲۱، ص ۳۹۰)

ایشان هنگامی که از یکی از یاران خود شنیدند که نام فرزندش را محمد گذاشته بیان کردند: «به کودک خود دشنام مده او را کتک زن و به او بدی نکن بدان که در روی زمین خانه ای نیست که نام محمد در آن باشد، مگر آنکه هر روز از لوث شیطان پاک شود»

(کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه آیت الله کوه کمره ای، انتشارات اسوه ۱۳۷۹ ج ۶، ص ۳۹، ح ۲)

بهترین نامها در مرتبه اول نام هایی است که نشان از بندگی خدا میدهد مانند: عبدالرحمان، عبدالله، عبدالرحیم اما نام هایی که شایسته خداوند است مانند: حکم، قدوس و خالق برای نامگذاری فرزند مکروه است. در مرتبه دوم نام رسولان و امامان پیشنهاد شده است. نامگذاری فرزندان به نام های بزرگان دین، موجب میشود فرهنگ خانواده و جامعه، روح دینی به خود بگیرد و این فرهنگ، در تربیت و هدایت فرزند موثر افتد.

متأسفانه امروز گرایش زیادی به نام های ایرانی در بین خانواده ها دیده میشود که بیشتر از آنکه رنگ و بوی ملی گرایی در آن دیده شود محو کردن نام اسلام از آن به مشام می رسد و نام های امامان را در حد چند نام عربی در دیدگان مردم تنزل داده اند و در صورتی که اگر واقعا ملی گرا هستند، چرا زمانیکه تمام وسایل زندگی خود را از خارج تهیه می کنند، هیچ به یاد کالای ایرانی نمی افتند؟



۳-زمینه های تربیتی پس از تولد

این دوران که سپری شد، کودک پا به عرصه ی وجود میگذارد و باید به همان نسبت عوامل بیشتری را برای تربیت او به کار بست. امام صادق (ع) در این مورد میفرماید: «کام فرزندانان را با تربیت امام حسین (ع) بردارید زیرا تربیت امام حسین (ع) امان است (شفا و برکت است)» حکمت این کار آن است که حق طلبی، عدالت خواهی و دوستی اهل بیت در آغاز زندگی در جان کودک نفوذ کند.

(محمّدی ری شهری، محمد، حکمت نامه کودک، قم، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۱۴۶-۱۴۵)

پس حضرت فرمودند: «در گوش راستش اذان بگو و در گوش چپش اقامه پیش از آنکه نامش را ببرند اگر چنین کنی هرگز ترس به او نرسد.

(مجلسی، محمدباقر، حلیه المتقین، موسسه هجرت، چاپ یازدهم، ص ۱۴۵)

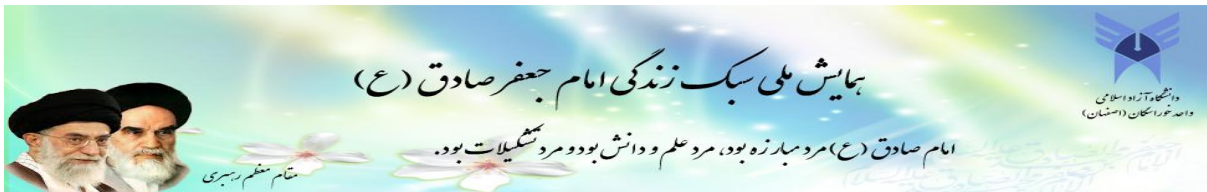
و پس از آن بیان کردند: «غسل دادن نوزاد لازم است»

(کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه آیت الله کوه کمره ای، انتشارات اسوه، ۱۳۷۹ ج ۳، ص ۴۰)

توجه به این احادیث ما را به این نتیجه میرساند، که چقدر روح نوزاد دارای فهم و درک است. در حالی که اغلب مردم میپندارند، کودک تا زمان سن تمییز چیزی نمیفهمد، از انجام اعمال و سخنان شهوت آلود در مقابل آنها ابایی ندارند و دقتی که در زمان بودن کوکان ۴ساله میکنند، در مقابل نوزاد ندارند. این در حالی است که اگر واقعا این نوزاد نمی فهمید، سفارش اهل بیت به اینگونه اعمال نیز کار بیهوده ای بود. ما در شرح حال حضرت علی اصغر داریم که ایشان در همان ۶ ماهگی شهادت را خود اختیار کردند. در صورتی که شاید خیلی ها میپندارند ایشان در شهادت خویش هیچ نقشی نداشتند. اگر اینگونه بود باید هر فرزندی که کشته میشد. به این درجه از مقام ایشان میرسید. مقام باب الحوایج بودن مقام کمی نیست که خداوند عادل آن را بدون لیاقت به ایشان داده باشد.

بعد از آن به مساله شیر دهی سفارش شده است که حضرت میفرماید: «حداقل دوران شیرخوارگی ۲۱ ماه است اگر زود تر این مقدار بچه را از شیر بگیرند به او ظلم کرده اند»

(حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، المکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ج ۱۲، ص ۴۵۷)



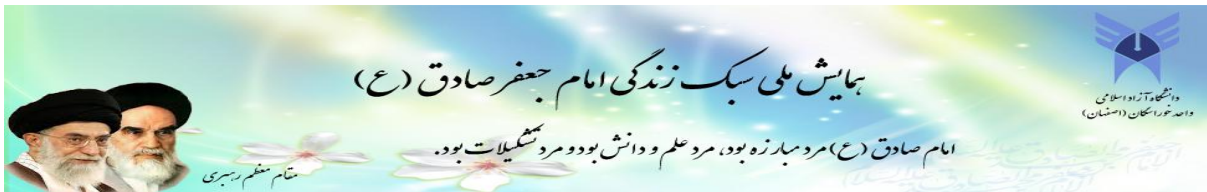
اما متأسفانه در این دوران ما شاهدیم که مادران خانه دار هم از دادن شیر به بچه های خود به بهانه های واهی مانند تناسب اندام و سختی شیر دادن خود داری میکنند. در صورتی که یک زن اگر فطرتی پاک داشته باشد، این کار برای او بهترین لحظه ی بودن با فرزندش محسوب میشود. اما متأسفانه در زمانه ای که آرامش مدرن و لذت های کاذب فرهنگ آن در جامعه ی ما رسوخ کرده است، مادران آرامش خود را بر کودکانشان ترجیح میدهند. برای آنها شیر دادن امری سخت و وقت گیر حساب میشود. مدرنیته بهترین شیر را از فرزندان ما گرفته است، اما در مقابل برای مادرانشان ظاهر کودکان را مهمتر از سلامت آنها جلوه داده است، به طوری که حاضرند، برای تهیه ی زیباترین و گران ترین لباس ها ساعت های زیادی را در فروشگاهها تلف کنند. تا جزءبهترین مادران در تعریف مدرنیته شوند زیرا زمانی که فقط دنیا مهم است و انسان محور استفاده ی بیشتر از تکنیک و رفاه مدرنیته است، انتظاری بیش از این از آنها نمی توان داشت. مادرانی که ساعتها حاضرند در مورد لباس فرزندانشان با دوستان خود حرف بزنند، آیا نیمی از آن را صرف یافتن روش های جدید و تربیتی کرده اند؟ و چه سخاوتمندانه از این رحمت بی دریغ خداوندی میگذرند! آیا می دانند که پیامبر(ص) فرمودند: «هر زنی که بچه اش را شیر بدهد، خداوند در برابر هر مرتبه ای که بچه از پستانش شیر بمکد، ثواب آزاد کردن بنده ای را به او میدهد و هنگامی که دوره ی شیر خواری به اتمام رسید و بچه را از شیر باز گرفت فرشته ی بزرگوار الهی دست بر پهلویش نهاده میگوید زندگی را دوباره آغاز کن که خداوند گناهان گذشته ات را آمرزید»

(حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، المکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ج ۲۱، ص ۴۵۱، ح ۱)

دقت در این حدیث ما را به شباهت بین روزه و شیر دادن میرساند. روزه دار در هر حالت، چه خواب چه بیدار همواره در حال عبادت است، بدون انجام عمل عبادی. مادر هم ثواب میکند، حتی اگر فرزندش را بدون گفتن ذکر شیر دهد. زیرا با هر مکیدن از پستان مادر، یک اسیر آزاد میشود.

جالب است که مدرنیته، دنیای پر اطلاعات است. ابتدا اصالت را به لذت شخصی میدهد. بعد که همه ی زندگی را بر آن بنا کرد. از فایده ها و ضررها سخن میگوید. زندگی مدرنیته میگوید که، شیر مادر مفید است. اما زمانی که کفه ی سنگین ترازوی لذت و آرامش شخص مادر، به کفه ی سبک فرزند می چربد، گفتن آن چه سودی دارد؟؟؟

جدای از آن ما ظاهری از شیر خشک میبینیم. این که چگونه و از چه درست شده است دیگر دست ما نیست. امام جعفر صادق (ع) میفرمایند: «اگر زن مسیحی یا یهودی را برای دایگی فرزندان انتخاب کردید، آنها را از خوردن شراب و گوشت خوک نهی کنید».



نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، چاپ اول، قم، موسسه آل البيت ع لاحیاء التراث،
 ۱۴۰۷ه.ق، ج، ۱۵، ص ۱۴۱)

این حدیث این را میرساند که چقدر مواد تشکیل دهنده ی شیر مهم اند. حتی ما در حدیثی از پیامبر (ص) داریم که میفرماید: «از زن احمق و زنی که چشمش ضعیف بوده است و آبریزش دارد در خواست شیر دهی نکنید چرا که شیر (خصوصیات دایه) را سرایت میدهد.

(کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۶، ص ۴۳)

در حدیثی دیگر آمده است: «کودکان خود را از شیر زنان بدکاره و دیوانه دور نگه دارید چرا که شیر (خصوصیات دایه) را سرایت میدهد»

(مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار ج ۱۰۰، ص ۳۲۳).

حال اینکه چه خصوصیتی در اثر مصرف شیرخشک به فرزند ما منتقل می شود خدا عالم است!

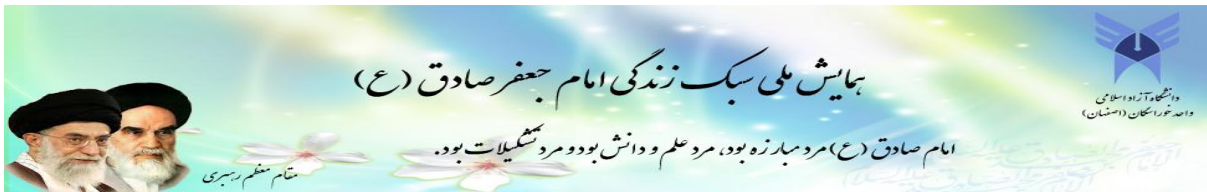
۴-زمینه های تربیتی دوران کودکی

در هفت سال اول عموماً خانوادها وظیفه ی خود را معطوف به تهیه ی غذا و بهداشت کودک میکنند و میندازند که باید کودک آزاد باشد. به این معنی که دیگر نیازی به تربیت او نیست. هر چه را که او خواست باید در اختیارش بگذارند. بسیار دیده شده است، که کودکان خواستار وسایل دیگرانند و نمیتوانند قبول کنند که آنها فقط در محدوده ی وسایل خودشان اختیار دارند. این به دلیل سهل انگاری خانواده ها در شناساندن حدود افراد است. خانواده باید به کودک بفهماند که در دو مورد حق تصرف ندارد: (۱) وسایل دیگران (۲) وسایل پر خطر.

۴-۱-رعایت بهداشت روانی و جسمی

مورد مهم دیگر بهداشت کودکان است که پیامبر(ص) در این باره میفرماید: «چربی و کثافت فرزندان را بشوید، زیرا شیطان آنها میبوید و کودک در خواب میترسد و بیتابی میکند»

(مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۵، ح ۴۵)



اما متأسفانه امروزه به سبب پوشک ها و پنبه های مرطوب دیگر خبری از شست و شوی کودک نیست جدای از ضررهایی که این لوازم لوکس و سفید و به ظاهر بهداشتی و تمیز به سلامت کودکان ما میزنند روح آنها هم از آزار شیطان در امان نیست.

۴-۲- رعایت اصول و آداب جنسی

از آن مهمتر چیزی که باید در این زمان رعایت شود توجه به بهداشت جنسی کودک است چرا که امروزه در پوشیدن عورت کودک دقت کافی صورت نمیگیرد. در مقابل دیگران کودک را لخت میکنند در حالی که ما در اسلام داریم که هنگام عوض کردن کودکان اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بگویید تا شیطان را از نظر کردن به عورت کودک دور کنید. در حدیثی از پیامبر (ص) است: «بر پدر و مادر روا نیست بر شرمگاه فرزند نظر کند برای فرزند روا نیست که بر شرمگاه پدر نگاه کند.»

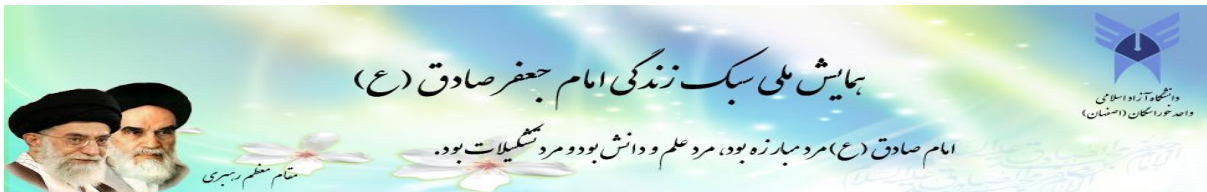
(کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۶ ص ۵۰۳)

ایشان در جایی دیگر فرمودند: «حریم عورتش را بپوشانید که حرمت عورت کودک همانند عورت بزرگسالان است و خداوند به آشکار کننده ی عورت نگاه نمیکند.»

(محدث نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسایل، قم، موسسه آل البیت، چاپ اول، ۱۴۰۸ق، جلد ۳، ص ۲۸۸)

۴-۳- جلوگیری از تحریک زودرس غریزه جنسی

یکی از خطراتی که کودکان با آن مواجه اند، بیدار شدن و تحریک زودرس غریزه جنسی است. بعضی چنین می پندارند که کودک قبل از بلوغ از مسائل جنسی چیزی نمی فهمد و در این باره احساسی ندارد. اما چنین تصویری صحیح نیست. دانشمندان عقیده دارند احساسات و لذت های جنسی از زمان کودکی وجود دارد و آثاری از آن مشاهده می شود، نهایت این که در هر زمان به صورتی آشکار می گردد. در پسر بچه های کوچک گاهی نعوظ آلت تناسلی مشاهده می شود. گاهی به آلت تناسلی و اطراف آن دست می مالند و از این کار لذت می برد. اگر کسی به کفل، ران ها و آلت تناسلی او و اطراف آن دست بمالد لذت می برد. در بین کودکان پنج یا شش ساله بازی های جنسی دیده می شود. به آلت تناسلی کودکان دیگر نگاه می کنند و گاهی دست می مالند. پژوهش های روان شناسان نشان می دهد که کودکان از سن شش - هفت سالگی دورنمایی از روابط جنسی در ذهن خود دارند و درصدد کشف و جستجوی آن هستند. از سن هشت - نه سالگی گاهی با دوستان خود خلوت کرده و درباره امور



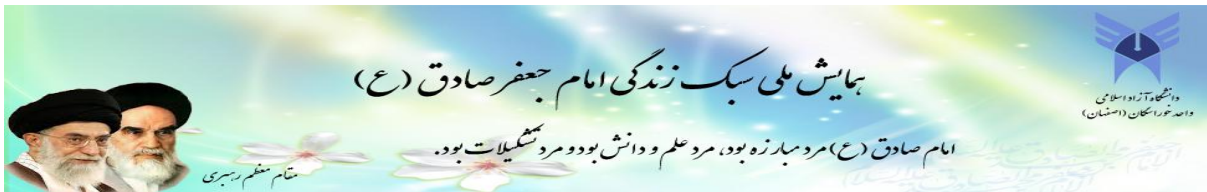
جنسی صحبت می کنند و اطلاعات خود را در اختیار یکدیگر قرار می دهند. گاهی خودشان را به خواب می زنند تا از روابط محرمانه پدر و مادر چیزی به دست آورند. رفتار معاشقه ای پدر و مادر را زیر نظر دارند و می خواهند در این باره چیزی بفهمند. هر چه به زمان بلوغ نزدیک تر شوند احساسات جنسی نیز در آن ها تقویت می شود.

به هر حال، احساسات جنسی در کودکان وجود دارد و گهگاه به صورت های مختلف خودنمایی می کند و اگر در حد طبیعی باشد غالباً عواقب بدی هم به همراه نخواهد داشت. لیکن اگر از حد طبیعی تجاوز کرد و کودک احساس لذت نمود به تکرار آن علاقه مند می شود و به تدریج عادت می کند و خاطراتی از این لذایذ در ذهن او باقی خواهد ماند. همین امر ممکن است موجب بیداری و تحریک زودرس غریزه جنسی گردد و چون در این زمان ها ارضای غریزه جنسی از طریق مشروع و به وسیله ازدواج غالباً امکان پذیر نیست، ممکن است به انحراف کشیده شود و از طریق غیرمشروع درصدد ارضای آن برآید. در بین کودکان نیز هم جنس بازی و استمناء وجود دارد. بنابراین، اولیا و مربیان باید قبلاً به فکر پیش گیری آن بوده و سعی کنند که غریزه جنسی کودکان قبل از موقع طبیعی بیدار نشود تا این دوران را به سلامت بگذرانند.

رعایت عواملی که امکان دارد سبب بیداری زودرس غریزه جنسی شوند:

۱. باید از لمس زیاد آلت تناسلی کودک و اطراف کفل و ران بچه حتی المقدور خودداری شود. شستشوی ناقص یا بیش از حد مجاری دفع ادرار و مدفوع و عدم رعایت بهداشت، پوشاندن لباس های تنگ و چسبان باعث انحراف جنسی و استمناء در کودک می شود. گاهی وجود انگل سبب خارش مقعد می شود و کودک از مادرش می خواهد که دست بمالد. البته چند مرتبه محدود اشکال ندارد، ولی اگر زیاد شد امکان دارد موجب لذت شود و با تکرار به صورت عادت درآمده و باعث انحراف گردد. در صورتی که اولیا احساس کردند کودک انگل دارد باید درصدد علاج برآیند. قلقلق دادن کودک به ویژه کف پای او ممنوع است زیرا بر روی عصب اعضای تناسلی رفلکس داشته و جریان خون را در آن قسمت بیشتر نموده باعث تحریک می شود. کودک نباید ادرار خود را نگه دارد زیرا در این حالت عضلات اطراف آلت تناسلی را منقبض نموده موجب لذت او می شود.

۲. باید کودکان را، با حیا تربیت کرد به طوری که در پوشیدن بدن، آلت تناسلی و پاهای خود جدیت کرده و از ظهور آن ها احساس شرم نمایند. به مصلحت کودکان نیست که با شورت و زیرپوش زندگی کنند و ران های خود را در معرض دید کودکان دیگر قرار دهند؛ مخصوصاً اگر پسر و دختر با هم زندگی کنند و از سنین پنج - شش سالگی بزرگ تر باشند.



۳. وقتی کودکان به سن تمیز رسیدند پدر و مادر نباید به عورت آن ها نگاه کرده و به آن ها اجازه دهند به آلت تناسلی یکدیگر نگاه کنند، زیرا حیا و شرم آن ها می ریزد و به خودنمایی و نگاه به عورت علاقه مند می شوند و امکان دارد به تدریج به صورت یک امر لذت بخش درآید و موجب انحراف گردد.

۴. صلاح نیست که دختر بچه سی ماهه با پدر و پسر بچه با مادر خود به حمام برود. هم چنین به مصلحت نیست که پسر بچه ها با دختر بچه ها به حمام بروند. در صورتی که پدر یا مادر با دختر خود به حمام می روند باید هم عورت خود را و هم عورت فرزندانشان را بپوشانند.

۵. صلاح نیست که دختر بچه چهار - پنج ساله با پسر بچه در یک بستر بخوابند. هم چنین صلاح نیست که پسر با پسر و دختر با دختر در یک بستر بخوابند. اگر به سن هشت - نه ساله رسیده اند باید جداً از این عمل جلوگیری شود. رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: هنگامی که کودکان به ده سالگی رسیدند، نباید پسر با پسر و دختر با دختر و دختر با دختر در یک رخت خواب بخوابند. و در حدیث دیگری وارد شده که: «از سن شش سالگی باید بین آن ها در رخت خواب، جدایی انداخت.»

(حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، المکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ج ۱۴، ص ۱۷۱)

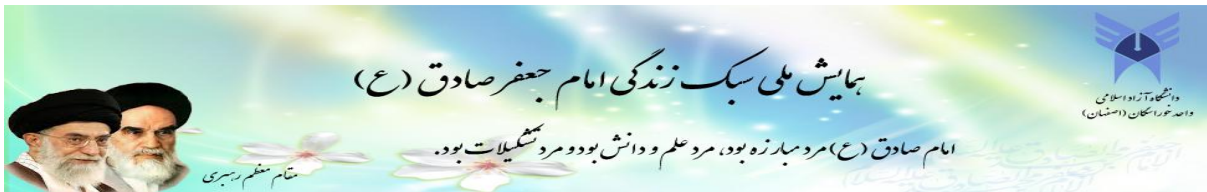
۶. صلاح نیست که دختر شش - هفت ساله با پدرش در یک بستر و پسر در همین سن با مادرش در یک بستر بخوابند؛ مخصوصاً اگر با شورت و لباس خواب باشند. خوابیدن دختر بچه با مرد بیگانه و پسر بچه با زن بیگانه یقیناً زیانش بیش تر است. امام جعفر صادق (علیه السلام) از پدرانش نقل کرده که فرمودند: «زن ها و بچه های ده ساله باید رختخوابشان جدا باشد»

(حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، المکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ج ۲۱، ص ۴۶۱، ح ۵)

هم چنین ایشان فرمود: «مادری که بدنش را به بدن دختر شش ساله اش بمالد خود نوعی از زنا است»

(حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، المکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ج ۲۰، ص ۲۳۰)

۷. در آغوش کشیدن و بوسیدن و نوازش کردن دختر پنج - شش ساله به وسیله مرد بیگانه اگر از روی ریه باشد حرام است و اگر بدون قصد ریه هم باشد نه به صلاح مرد است و نه به صلاح دختر. در آغوش کشیدن و بوسیدن پسر بچه به وسیله زن بیگانه نیز همین حکم را دارد. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «وقتی دختر به سن شش سالگی رسید، صلاح نیست او را ببوسی.»



(حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، المکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷. ص ۱۷۱، ج ۲۰)

ایشان فرمودند: «مرد نباید دختر بچه شش ساله را ببوسد، زن هم نباید پسر بچه هفت ساله را ببوسد».

(حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، المکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷، ص ۲۳۰، ج ۲۰)

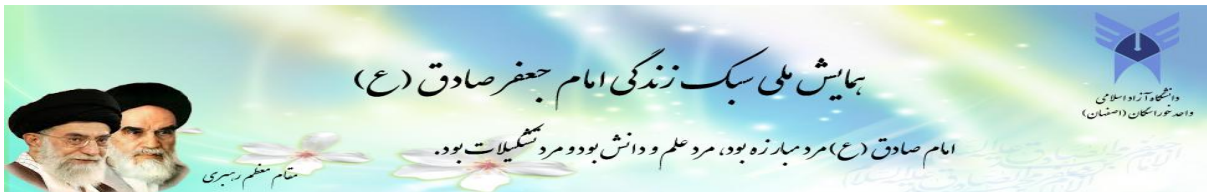
کودک نیاز به محبت دارد. باید او را بوسید و در آغوش کشید. در این موارد باید مراقب بود.

بهتر است پیشانی کودک بوسیده شود و در صورت بوسیدن گونه ها سریع و کوتاه باشد.

از بوسیدن لب های کودک بپرهیزید زیرا باعث تحریک جنسی می گردد. اگر در کودک انحراف جنسی مشاهده کردید از خشونت بپرهیزید زیرا او انحراف خود را مخفی خواهد کرد و اگر انحرافی او را تهدید کند با شما در میان نخواهد گذاشت. مراقب حضور کودک در مکان ها و زمان های خلوت باشید زیرا ممکن است توسط افراد منحرف مورد سوء استفاده جنسی قرار بگیرد. در حد سن کودک برخی خطرات جنسی که او را تهدید می کند برای او توضیح دهید: تو نباید افراد غریبه را ببوسی یا بغل آنها بروی، نباید اجازه دهی کسی به بدنت دست بزند، اگر این کار را کرد به پدر و مادر بگو، اگر کسی که او را نمی شناسی به تو چیزی داد و گفت بیا جایی بریم نباید با او بروی و چیزی را از او بگیری البته نباید این مطالب را بیش از حد باز کرد.

۸. باید کودک را از تماشای عکس ها، پوسترها و فیلم های مبتذل و عشقی بازداشت، چون در او تأثیر گذاشته و ممکن است به انحراف کشیده شود. خواندن و شنیدن داستان های عاشقانه نیز به مصلحت کودک نیست. مر بیان باید توجه داشته باشند که تماشای بعضی از فیلم های سینمایی و خواندن برخی از مجلات و کتاب ها برای کودکان بدآموزی داشته و ممکن است موجبات انحراف آن ها را فراهم سازد، لذا باید آنان را در حد ممکن از دسترسی به چنین امکاناتی بازداشت. متأسفانه خانواده ها از تماشای فیلم های که در غالب برنامه کودک از خارج تهیه می شود توجه لازم را ندارند برنامه های مانند : شرک، سفیدبرفی، سیندرلا و... که آشکارا روابط عاشقانه و مخفی دختر و پسر را تبلیغ می کنند .

۹. رابطه کودک با جنس مخالف در مهد کودک ها ممکن است در ذهن او بماند ارتباط نزدیک پسران و دختران و دوستی و رفاقت آن ها با یکدیگر در آینده موجب بلوغ زودرس شود. بهتر است کودک را به مهد کودکی بسپارید که مربی آن متعهد است و شؤونات اسلامی در آن رعایت می شود و حتی الامکان دختر و پسر در آن مختلط نباشند. مخصوصاً نسبت به کودکان نه سال به بالا.



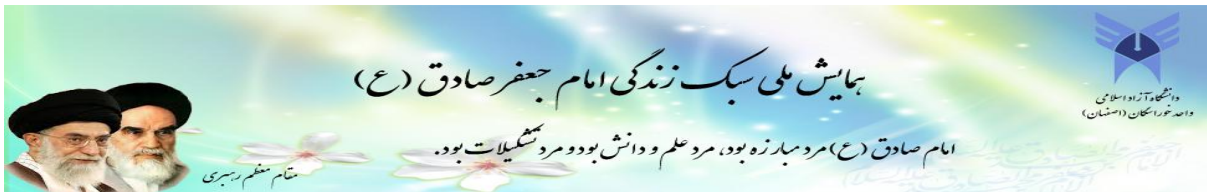
۱۰. وقتی کودکان در گوشه ای خلوت کرده و دور از چشم بزرگ ترها به بازی یا راز گویی هایی دوستانه مشغول می شوند، لازم است اولیا و مربیان از دور و به طور غیر مستقیم مراقب آن ها باشند و اگر عامل انحرافی ای را مشاهده کردند علاج نمایند.

۱۱. خلوت کردن کودکان با یکدیگر، مخصوصاً پسر و دختر، صلاح نیست و احتمال انحراف دارد. اولیا نباید کودکان را ساعت های طولانی در منزل یا در اتاقی تنها بگذارند و دنبال کار خود بروند و هیچ گونه مراقبتی نداشته باشند.

۱۲. کودکان نیاز به دوست و هم بازی دارند و نباید آن ها را از این نیاز طبیعی محروم ساخت، لیکن اولیا باید مواظب باشند تا به دام دوستان ناباب نیفتند. بسیاری از انحرافات جنسی کودکان در اثر معاشرت با دوستان فاسد است. چنان که نباید کودکان را از انتخاب دوستان و هم بازی ها محروم ساخت، هم چنین نباید آن ها را در انتخاب هر دوستی آزاد گذاشت بلکه باید در شناخت و انتخاب دوستان صالح آن ها را یاری کرد و از دوستان ناصالح برحذر داشت. بهتراست خانواده های که داشتن تعداد زیاد فرزند برایشان مقدور نیست با اقوام یا دوستانی که فرزندان هم سن و سال فرزندانشان دارند بیشتر رفت آمد کنند، تافزندان در محیط هاو زمانهای بیشتری در کنار دوستانشان باشند و از دوستی های طولانی تری بهرمنند گردند.

۱۳. قبل از اینکه کودک کاملاً خسته شود نباید به رختخواب برود زیرا فکرهای پریشان و منحرف به سراغ او می آید و یا در اثر غلطیدن در رختخواب لذت جنسی در او ایجاد می شود. در طول روز نباید کودک زیاد بخوابد و باید کاملاً خسته شود تا شب به راحتی بخوابد. البته همیشه چنین نیست، لیکن احتمال آن وجود دارد؛ مخصوصاً اگر زیاد تکرار شد. به هر حال بهتر است اولیا و مربیان به کودکان توصیه کنند که در حال بیداری در رخت خواب دراز نکشند بلکه فوراً برخیزند و بستر خود را جمع کنند قبل از خواب اذکار وقت خوابیدن را برایشان بخوانیم. اگر کودکان را عادت دهیم که در مواقع خواب دستشان را از لحاف یا پتو بیرون بگذارند کار خوبی است. بعضی حرکات مانند غلتیدن بر روی تشک و مالیدن آلت به نرده، به روی شکم خوابیدن باعث انحراف جنسی می گردد باید کودک را به آرامی از آن بازداشت.

۱۴. اگر مشاهده کردید که فرزند شما به انزوا تمایل دارد و گاه گاه در گوشه ای خلوت کرده و ساعتی در آن جا تنها می ماند، درصدد یافتن علت آن باشید. اگر احساس کردید استمناء می کند به هر طریق ممکن او را از این عمل ناشایست و خطرناک باز دارید. اگر گوشه گیری او علت دیگری دارد برایش چاره جویی کنید. به هر حال، گوشه گیری کودک و جوان یک حالت عادی نیست و نباید کوچک و کم اهمیت تلقی شود.



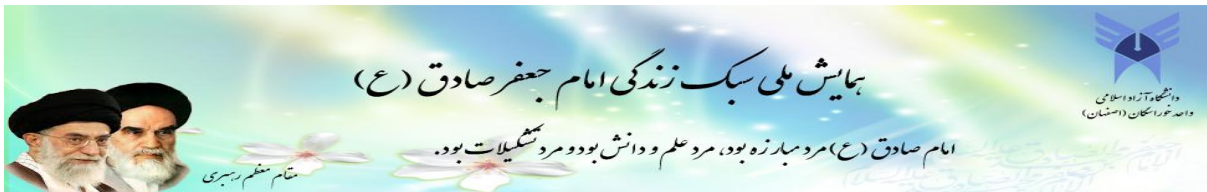
۴-۴- عفت جنسی والدین

پدر نمی تواند شورت بپوشد و عریان در حضور دخترش آب تنی کند. زن و شوهر حق ندارند در حضور فرزندان، یکدیگر را در آغوش گرفته، ببوسند و معاشقه کنند یا به شوخی های تحریک آمیز بپردازند. صلاح نیست که زن و شوهر در حضور فرزندان خود، در یک بستر بخوابند و یکدیگر را نوازش نمایند. چنین رفتاری حیا را از خانواده می برد و فرزندان خانواده را به فساد و انحراف می کشد. بسیار شنیده شده که برادر با خواهر خود روابط جنسی برقرار کرده یا به وسیله او استمناء می کرده است.

در این جا ممکن است کسی بگوید: پس وظایف زن و شوهر چه می شود؟ مرد از همسرش انتظار دارد که بهترین لباس هایش را در منزل بپوشد و زینت و آرایش کند و زیبا بگردد، زن هم وظیفه دارد بر طبق میل شوهرش رفتار نماید و خودش را همیشه آماده نگهدارد. از طرف دیگر زن حق مضاجعت دارد. نیز باید زن و شوهر در یک رخت خواب بخوابند اگر هم دائم نیست لازم است هر چندی یک بار انجام بگیرد. در پاسخ می گوئیم: درست است که وظایف زناشویی چنین اقتضایی را دارد و زن و شوهر باید در منزل زیبا بگردند، لیکن لازمه تمیز بودن و لباس خوب پوشیدن و زیبا گشتن، آرایش کردن و بی بندوبار بودن و رفتار تحریک آمیز داشتن نیست. زن و شوهر می توانند در منزل زیبا و شیک باشند. البته تصدیق می کنم که جمع بین این دو وظیفه کار دشواری است، لیکن چون ضرورت دارد باید انجام بگیرد.

از همه اینها مشکل تر و خطرناک تر خود عمل جنسی است که از لوازم زناشویی است و پدر و مادر نمی توانند آن را ترک کنند. مشکل در این جاست که اغلب خانواده ها با فرزندانشان در یک اتاق می خوابند و بعضاً عمل جنسی را هم در همان اتاق و به هنگامی که به خیال خودشان کودکان به خواب رفته اند انجام می دهند. در صورتی که گاهی اتفاق می افتد که یکی از کودکان عمداً خودش را به خواب می زند تا از اسرار و روابط محرمانه پدر و مادر مطلع شود. امکان دارد از حرکات و نفس زدن های پدر و مادر از خواب بیدار شود و سکوت کند تا چیزی بفهمد. بررسی موارد انحراف کودکان و نوجوانان نشان می دهد منشأ بسیاری از انحرافات، همین بی احتیاطی های پدران و مادران بوده است. اسلام نیز بدین موضوع عنایت داشته و از آن نهی کرده است؛ حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: «مرد نباید با همسر یا کنیز خود نزدیکی کند در حالی که در آن اتاق، کودکی حضور دارد، زیرا این عمل باعث زنا می شود.»

(حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، المکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷، ج ۱۴، ص ۹۴)



امام صادق (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نقل کرده که فرمود: «به خدا سوگند! چنان چه مردی با همسر خود مجامعت کند در حالی که کودکی در خانه بیدار باشد، آن ها را ببیند و کلام و نفس زدن های آنان را بشنود، چنین کودکی هرگز رستگار نخواهد شد. اگر پسر باشد زناکار خواهد شد و اگر دختر باشد زنا می دهد.»

(حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، المکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷، ص ۹۵، ج ۱۴)

سپس حضرت صادق فرمود: «هنگامی که امام سجاد می خواست با همسرش عمل جنسی انجام دهد درب اتاق را می بست و پرده را می انداخت و خدمت گزاران را خارج می ساخت.»

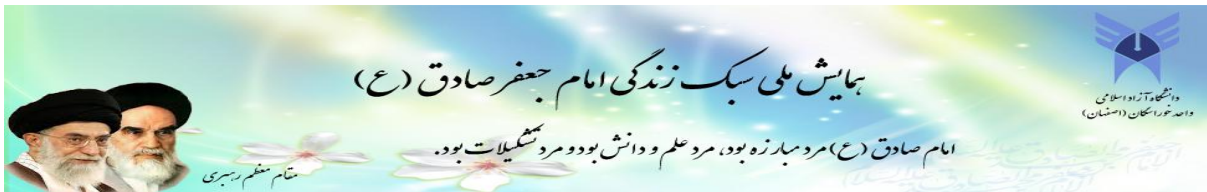
(حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، المکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ج ۱۴، ص ۹۴)

ابوبصیر از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده که فرمود: «مبادا با همسرت مجامعت کنی در حالی که کودکی به شما نگاه می کند، زیرا رسول خدا شدیداً از این کار کراهت داشت.»

(حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، المکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ص ۹۵، ج ۱۴)

از طرف دیگر گفته می شود: صلاح نیست کودکان را تنها در اتاق گذاشت مخصوصاً اگر بچه بزرگی در میان آنان باشد و دختر و پسر باشند. جمع بین این دو پیشنهاد چگونه امکان دارد؟ در حل این مشکل می توان پیشنهاد کرد که کودکان در یک اتاق بخوابند و پدر و مادر در اتاق مجاوری که به اتاق کودک راه دارد، به طوری که اشراف بر کودکان داشته باشند. یا هر یک از پدر و مادر در رخت خوابی جدا ولی نزدیک به هم بخوابند. در صورتی که پدر و مادر ناچارند با فرزندانشان در یک اتاق بخوابند، باید برای اخفای عمل جنسی، دقت و مراقبت بیش تری به عمل آورند. در صورت امکان عمل زناشویی را در ساعت هایی انجام دهند که بچه ها در منزل نباشند در غیر این صورت می توانند در وسط های شب که اطمینان دارند بچه ها کاملاً خوابند بدون سر و صدا از اتاق خارج شوند و در محل خلوتی دور از بچه ها کار خود را انجام دهند و به اتاق خواب بازگردند.

البته تصدیق می کنیم تنظیم چنین برنامه ای برای همه خانواده ها امکان پذیر نیست، مخصوصاً با توجه به مشکلات مسکن. متأسفانه در نقشه ساختمان های مسکونی امروزی تأمین چنین نیازهایی منظور نیست و اتاق های خواب را کاملاً از یکدیگر جدا می کنند. به هر حال، زن و شوهری که داری چندین فرزند هستند باید به این نکته مهم توجه کنند که مسئولیت تربیت صحیح فرزندان را پذیرفته اند و نمی توانند در روابط جنسی خود آزادی کامل داشته باشند.



یکی از دانشمندان غربی می نویسد: در ساختمان اغلب خانه های امروزی رعایت اصول مسائل جنسی پیش بینی نشده است و در واقع باید خانه های امروزی را خانه های مخالف امور جنسی نامید. بسیار کم و به ندرت می توان خانه یا آپارتمانی را یافت که در آن، اصل داشتن اتاق دنج و مستقل خواب برای والدین رعایت شده باشد. اغلب دیوار اتاق خواب باریک و بچه ها در دور و حوالی آن هستند. این حقیقت تلخ و ناگواری است که بر اثر عدم رعایت این نکات و نداشتن خانه هایی که اتاق خواب والدین در گوشه آرام و دنجی قرار گرفته باشد والدین ناچارند صدای نفس و حرکات و مهرورزی های طبیعی خود را خفه کنند.

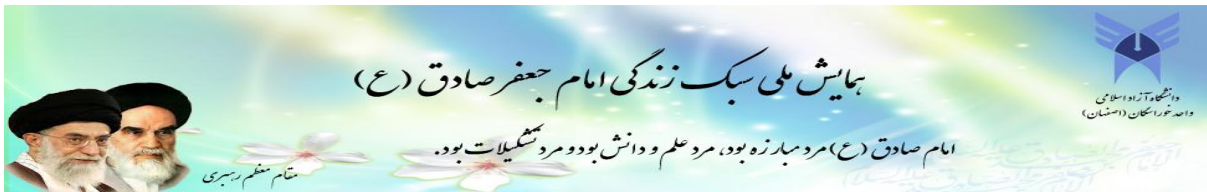
(جیم گینوت، پیوندهای کودک و خانواده، ترجمه تقی زاده میلانی، چاپ اول، تهران، نشر اندیشه، ۱۳۵۶، ص ۱۷۸)

۵- تربیت دینی کودکان

اینکه کودکان ناسزا گویی را راحت تر از مفاهیم بهتر یاد می گیرند، یک زمینه ی روحی دارد. زمینه ی روحی ناسزا گفتن این است که کودک با آن تخلیه ی هیجان کرده و خود را راحت می کند. کسی که این روحیه را پیدا کرد خیلی راحت ناسزا گفتن را یاد می گیرد. درست است که یاد گرفتن ناسزا خلاف فطرت انسان است. اما فطرت ما پشت پرده ی عادات روحی ما پنهان می شود. در واقع فطرت فعال نیست و باید کشف شود. ما به عنوان پدر و مادر و مربی وظیفه ی کشف فطرت را داریم. در آموزش و پرورش اصولاً به آن، کشف استعداد می گویند نه کشف فطرت. برنامه ی تربیتی ما باید مبتنی بر کشف فطرت باشد نه کشف استعداد. پدر و مادر نیز باید این نقشه را پیاده کنند.

۵-۱- محدودیت یا مصونیت

دین به انسان محدودیت نمی دهد بلکه دنیا محدودیت می دهد. این تفکر اشتباه است که خیلی از افراد فکر می کنند دین به ما محدودیت می دهد و ما محدودیت های دینی را چطور به فرزند خود منتقل کنیم. دین راه لذت بردن از میان این همه محدودیت های موجود در دنیا را به ما یاد می دهد. مثلاً یکی از مسائل انسان خواب و بیداری است و دوست دارد از خواب خود لذت برده و آرام بخوابد و در طول روز نیز با نشاط باشد. برای این مسئله دین به ما می گوید که باید صبح بین الطلوعین نخوابیم. این خواب مکروه است. یعنی اگر عادت کنید که بین الطلوعین نخوابید، در طول روز با نشاط خواهید بود. محدودیت و مشکل ما مسئله ی خواب و بیداری است. اینکه خوب بخوابیم و خوب بیدار شویم. دین به ما یک برنامه می دهد که لذت بخش ترین خواب و بیداری را داشته باشیم. دین می گوید که اول شب بخوابید. با شکم پر نخوابید. بین روز اگر توانستید یک ساعت بخوابید.



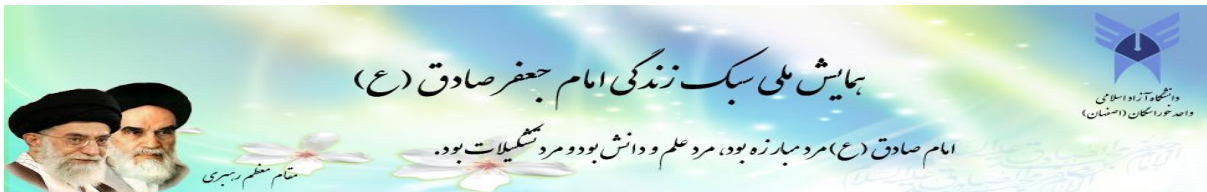
این برنامه ی دین است، برای اینکه شما از خواب و بیداری لذت ببرید. از هفت سال دوم یک برنامه ی اختیاری، انتخابی برای درگیر شدن با سختی های زندگی داریم. ما در این زمان باید به فرزند خود یاد بدهیم که زندگی یک مبارزه ی شیرین است. نباید به آنها دروغ بگوییم که انشاء اله در آینده همه چیز خوب خواهد بود. باید به او بگوییم که انشاء اله در برخورد با مشکلات قوی باشی و همیشه آمادگی برخورد با سخت ترین مشکلات را داشته باشی. و این مشکلات باعث رشد تو شود. وقتی که کسی متوجه شد که اساساً زندگی یعنی مبارزه با هوای نفس، دین که برنامه ی مقابله با هوای نفس است را راحت می پذیرد.

۵-۲- فرزندان جسور

از امام صادق (ع) پرسیدند که مروت یعنی چه؟ امام فرمودند: به نظر خود شما مروت یعنی چه؟ آن فرد گفت: مروت یعنی جوانمردی و مردانگی. یعنی اینکه اگر نعمت به تو داده شد شکر کن و اگر داده نشد صبر کن. با این که این دو حرف خوبی بود اما امام صادق (ع) فرمودند: پس سگ های مدینه هم اینگونه هستند. حضرت فرمودند: در نزد ما مروت یعنی اینکه اگر نعمت به شما ندادند شکر کنید و اگر دادند ایثار کنید. این یعنی خوبی با خدا. پس خوبی بدون خدا این بدی را دارد که سطح آن پایین است. و انسان ها در این سطح پایین، احساس حقارت خواهند کرد. مگر اینکه خود را فریب بدهند.

امام رضا (ع) در یک سخن شریفی از امام سجاد (ع) می فرماید: که اگر کسی گناه نمی کند گول او را نخورید شاید توان این کار را ندارد. خدا از ما می خواهد در حالی که می توانیم، گناه نکنیم. این تربیت جذاب است. بعضی از افراد ساکت هستند. شما فکر می کنید که چقدر باحیا هستند. در حالی که افراد ترسویی هستند. یعنی می ترسند اظهار وجود کنند. برخی از افراد ساکت هستند و شما فکر می کنید که چقدر باحیا هستند. در حالی که خیلی حب مقام داشته و خودخواه هستند و کسی را لایق هم صحبتی خود نمی دانند. بعضی از افراد به صورت ژنتیک ساکت بوده و رفتار دیگری را بلد نیستند. خدا نخواهد که ما اینگونه باشیم. ما باید همچون پیشوایانمان بچه های خود را جسور تربیت کنیم. بنان بن نافع نقل می کند که روزی مأمون از جایی که حضرت جواد علیه السلام با کودکان بازی می کرد، می گذشت. کودکان از ترس میدان بازی را ترک کردند و تنها امام جواد آنجا ایستاد.

مأمون از او پرسید: چرا همراه بچه ها فرار نکردی؟ فرمود: گناهی مرتکب نشدم تا از ترس بگریزم و جاده هم تنگ نیست تا آن را برایت باز کنم، از هر جا می خواهی عبور کن. مأمون از این پاسخ تعجب کرد و پرسید:



تو کیستی؟ حضرت در جواب فرمود: من محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام هستم.

وقتی که یک عده ای از روی ژنتیک یا ناتوانی یا ... آدم های خوبی شدند بدون اینکه با خدا ارتباط داشته باشند ، افراد بد می توانند آنها را چپاول کنند . چرا کشورهای بی که تحت نظر صهیونیست ها اداره می شوند بحث های اخلاقی خوبی به مردم ارائه می دهند ؟ برای اینکه هرچقدر مردم اخلاقی تر باشند ، آرام تر هستند و کاری با مستکبران و زورگویان ندارند . این یکی از بدی های، خوبی بدون خدا است . خوبی با خدا اجازه نمی دهد که کسی به انسان ظلم کند . یکی دیگر از بدی های ، خوبی بدون خدا این است که فراگیر و با ثبات نخواهد بود . ۵-

۵-۳- بهادادن به کودکان

حضور کودکان و نوجوانان در جمع دیگران، زمینه پرورش آنها در ابعاد گوناگون اخلاقی و اجتماعی را فراهم می کند. آنان را به برنامه های تربیتی شیفته و علاقه مند و اشتیاق درونی آنها را به نفع اقدامات عام المنفعه بارور می کند و به آن جهت می بخشد. امام صادق(ع) فرمود:

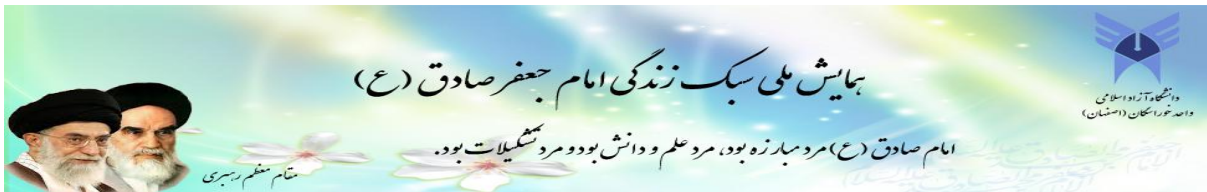
« پدرم هر گاه غمگین می شد زنان و کودکان را جمع می کرد و دعا می کرد و آنها آمین می گفتند.»

(حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، المکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷)

حضور کودکان در جمع بزرگترها باعث می شود که آنها با فرهنگ مباشرتی و تربیتی بزرگترها، آشنا شوند و تمایل به کارهای نیک پیدا کنند.

میدان دادن به کودکان، شخصیت آنها را پربار می کند و در فرهنگ گفتاری و ادب، اخلاص و بیان و ... آنها رشد می کند. محمد بن مسلم می گوید:

«ابوحنیفه، پیشوای حنفی ها، خدمت امام صادق(ع) رسید. در آن حال فرزندش موسی(ع) نماز می گزارد و مردم از جلو او می گذشتند و او مانع آنها نمی شد و حال آنکه این کار اشکال دارد - البته براساس فقه حنفی - وقتی ابوحنیفه وارد شد. به امام صادق(ع) این خبر را داد. امام فرزند گرامی اش را خواست و خطاب به وی فرمود: فرزندانم، ابوحنیفه می گوید: تو وقتی نماز می خواندی، مردم از جلو تو عبور می کردند و تو آنها را نهی نکردی، عرض کرد: بلی، پدر، کسی که من برای او نماز می گزارم، از این مردم به من نزدیک تر است. زیرا خدا می فرماید:



من از رگ گردن به آنها نزدیک ترم. امام صادق (ع) همین که این دلیل را از زبان فرزندش امام موسی (ع) شنید، او را در آغوش کشید و فرمود: پدر و مادرم به فدایت! ای کسی که اسرار الهی در تو به ودیعه گذاشته شده است.»

(کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، چاپ چهارم، ترجمه آیت الله کوه کمره ای، انتشارات اسوه، ۱۳۷۹)

امام صادق (ع) در اعتراض ابوحنیفه نسبت به فرزندش موسی (ع)، از خود واکنش منفی نشان نداد. نخست از فرزندش پرسید و وی را مجال و میدان دادند تا بر کار خویش برهان اقامه کند و میزان استعداد و توانایی های فکری اش را بشناساند.

۶-آموزش آموزه های دینی

۶-۱-هفت سال بازی

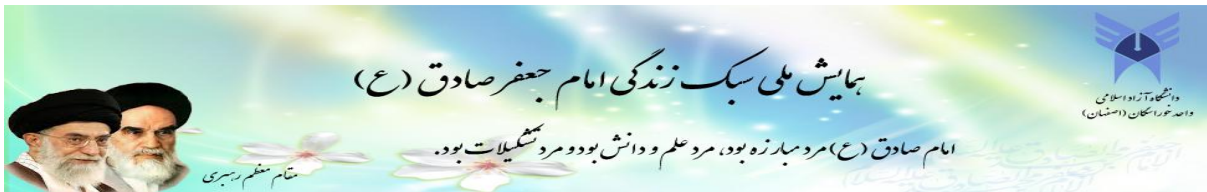
از امام صادق (ع) روایت شده است:

«فرزند خود را در هفت سال آزاد بگذار تا بازی کند و هفت سال او را با آداب و روش های مفید تربیت کن و در هفت سال سوم مانند یک رفیق صمیمی مصاحب و ملازمش باش.»

(حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، المکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ج ۵، ص ۱۲۵)

هفت سال پدر و مادر باید عمیقاً وقت گذاشته و به او توجه کنند . با بچه حرف بزنند . معمولاً پسرها دیرتر زبان باز می کنند اما در همان موقع نیز خیلی چیزها را فهمیده و درک می کنند . پدر و مادر باید با بچه ی خود گفتگو کرده و بفهمند که او چه چیزی را می خواهد . اگر چیزی را که می خواهد به او دادید ، امنیت خاطر پیدا کرده و فکر می کند هرچه بخواهد پدر و مادر به او می دهند . پدر و مادر با شیوه ی گفتگو با یکدیگر باید به بچه ادب یاد بدهند . به شیوه ی ریحانه با او برخورد کرده و به او امر و نهی نکنند . اگر بچه کاری کرد و عذر خواهی نکرد . در سن پنج سالگی نباید او را مجبور به این کار بکنید . اگر بکنند یعنی تربیت بالای هفت سال را در سنی کمتر، اجرا کرده اند . اگر می خواهند در این سن به بچه عذرخواهی کردن را یاد بدهند، باید پدر و مادر یک نمایش اجرا کرده و مدام در آن از هم عذر خواهی کنند.

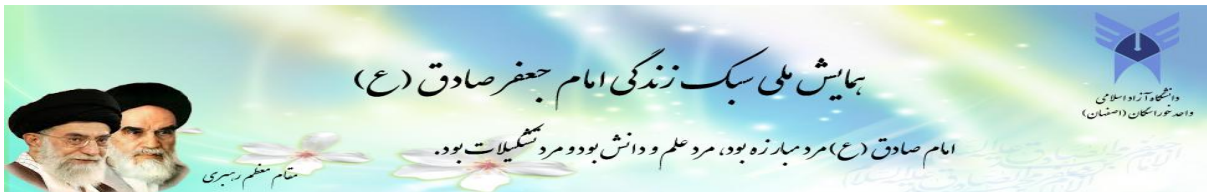
حدیث شریفی از امام صادق (ع) و امام باقر (ع) نقل شده است . این حدیث می فرماید:



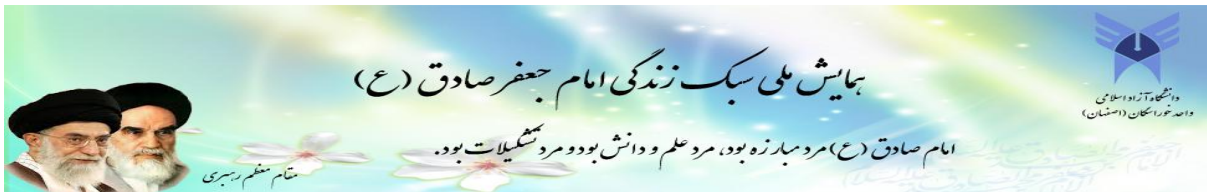
. : وقتی بچه سه ساله شد کلمه «لا اله الا الله» را یادش بدهید. سپس او را رها کنید تا به سن سه سال و هفت ماه و بیست روز برسد، آن گاه «محمد رسول الله» را یادش بدهید. سپس تا سن چهارسالگی او را رها سازید. در سن چهارسالگی صلوات بر محمد را یادش بدهید.

(الطبرسی، رضی الدین ابی الحسن بن فضل، مکارم الاخلاق، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۹۲ ص ۲۵۴)

فرزند شما وقتی که به سه سالگی رسید، به او مفهوم لا اله الا الله را یاد بدهید. وقتی که بچه سه ساله شد با این ذکر و مفهومی به نام خدا آشنا می شود. در سه سالگی بچه پدر و مادر، خواهر و برادر و اسباب بازی را می شناسد. در اینجا باید با نام خدا آشنا شود. آن هم با شیوه ی ذکر لا اله الا الله نه با اذکار دیگر. این ذکر عضوی از اعضاء خانواده ی او خواهد بود. کم کم این سوال برای او پیش می آید که این خدایی که غیر از او خدایی نیست، چه کسی است. یعنی در سه سالگی قبل از صداقت و از بین بردن حسادت باید این ذکر به او آموزش داده شود. در این سن ذهن بچه در حال آشنا شدن با خیلی از پدیده ها است. اینجا ما ذکر خدایی را که نمی بینیم برای او آموزش می دهیم تا به اندازه ی این ذکر با خدا ارتباط برقرار کند. برای انتقال مفاهیم دینی ابتدا باید از خود خدا شروع کنیم. به بچه بگوییم که تکرار کن هیچ خدایی به جز خدا نیست. کم کم برای او سوال ایجاد می شود که خدا یعنی چه. آنقدر این کلمه ی خدا را در کلام اطرافیان می بیند، که حس می کند پس این خدا باید موجودی باشد که او را نمی بینیم. بزرگتر از همه است و همه با احترام از او یاد می کنند. بر وحدانیت او همه تأکید می کنند و به او یاد می دهند. همین آگاهی ها در روح بچه به وجود می آید. کلمه ی لا اله الا الله کلمه ی توحید است. شما همراه با آموزش نام خدای تبارک و تعالی، لا اله را هم یاد می دهید. بعد در حدیث می فرماید که او را رها کنید تا هفت ماه بگذرد. بعد از آن محمد رسول الله را به آموزش دهید. در این سن کنجکاوای های بچه شروع شده و دوست دارد که با هر چیزی آشنا شود. شما باید به اثر نورانی این اذکار و اعماق فطرت لطیف انسان توجه داشته باشید. بخش عظیمی از آثار معنوی و تربیتی این اذکار در روح انسان ناپیدا است. به اینکه برای ما و فرزندان ما قابل لمس است ارتباطی ندارد. خواسته یا ناخواسته اثر خود را خواهد گذاشت. چون انسان باطن ژرف و عمیقی دارد و این کلمات بسیار نورانی هستند. خدا نور معنوی است که وجود پاک انسان ها به آن نور تمایل و تناسب دارد. بعداً دوباره کنجکاوای ها و پرسش های کودک شروع می شود. عقل او شفاف تر شده و بهتر می تواند مفاهیم معنوی را بفهمد. بعد او را رها کرده تا به سن چهارسالگی می رسد. در این سن درود به پیامبر اکرم (ص) و صلوات را به او یاد می دهیم. بچه ممکن است معنای این اذکار و ذکر صلوات را متوجه نشود، باید معنای آن را نیز به او آموزش دهیم. بچه متوجه می شود که همه ی افراد وقتی صلوات می فرستند به پیامبر و اهل بیت او درود



می فرستند . از چهار سالگی به بعد ما بچه را با آشنایی و احترامی که همه ی افراد به پیامبر(ص) و اهل بیت او می گذارند بزرگ می کنیم . در این یک سال تنها این اذکار را باید به او آموزش دهیم . بقیه ی مفاهیم اخلاقی را باید به صورت عملی در این یک سال به او آموزش دهیم . تا هفت سالگی نباید به بچه امر و نهی جدی کنیم . یعنی نباید روی بچه فشار روانی بگذاریم بلکه باید عملاً او را به این جهت سوق بدهیم . در ادامه حدیث می گوید که در پنج سالگی دست چپ و راست و شرق و غرب را به او یاد داده و قبله را به او می شناسانیم . و سپس سجده به سمت خانه ی خدا را به او آموزش می دهیم . نه اینکه نماز خواندن را به او یاد بدهیم بلکه فقط سجده را به او آموزش می دهیم . زیبا است که هر کودکی اولین خاطره ای که از رفتار دینی و نماز دارد، سجده باشد. در هفت سالگی بچه وضو و نماز را یاد می گیرد . تا حالا اگر با شوخی ، لذت و تفریح این کارها را انجام می داد ، باید از این به بعد با برنامه انجام دهد . البته باز هم با محبت و لبخند این کار را انجام می دهیم . خیلی خوب است که قبل از هفت سالگی به بچه بگوییم مثلاً اگر اتاق خود را مرتب نکردی اشکالی ندارد من این کار را می کنم . اما از هفت سالگی باید خود تو این کارها را بکنی . در هفت سالگی برای آغاز ورود کودک به دوران تربیت یک جشن بگیریم . البته جشن آغاز مدرسه ، در مدرسه برپا می شود . ولی باید در خانه این اتفاق بیفتد . بعد از این جشن باید به بچه گفت که مثلاً باید اتاق را خود تو مرتب کنی . البته این کار بستر سازی است نه انتقال مفاهیم دینی . بعد از هفت سالگی باید به بچه بگوییم که زندگی یعنی رعایت ادب و اجرای آئین نامه ، چه درسختی ها و چه در آسانی ها . دستور است که ما از هفت سالگی به بعد باید به بچه امر و نهی کرده و حتی نیازی نیست که برای آن دلیل بیاوریم . بچه باید یاد بگیرد که انسان ها باید با دستور زندگی کنند . فطرتاً آمادگی بچه بیشتر از تصور ما است و دستور را می پذیرد . اگر به بچه دستور ندهیم بی هویت شده و خود را گم می کند . معلم ها در مدرسه گواهی می دهند که از سن هفت سالگی به بعد استعداد دستور پذیری بچه ها بالا است . مگر اینکه پدر و مادر او را خراب کنند یا معلم به گونه ای رفتار کند که وضع او را بهم بریزد . وگرنه دین مطابق فطرت است . بچه فطرتاً ضابطه مندی را دوست دارد و ما از هفت سالگی به بعد باید فطرت او را بیدار کنیم . یک بار آنها را در حضور دیگران تشویق کرده و بگویید که برای بچه هایی که دستورات را دقیق اجرا می کنند دست بزنید . گاهی پدر و مادر تحصیل کرده هستند و همه چیز را با دلیل می پذیرند. می گویند که ما دلایل خود را چگونه برای این بچه توضیح دهیم . باید بدانند که بچه خیلی از اوقات دلیل نمی خواهد و فقط می خواهد که با نوع دستور آشنا شود . بچه هماهنگ با آن فضا ، نماز را به راحتی خواهد خواند . اگر به بچه هیچ دستوری نداده و یکباره بگوییم که یک دستور الهی برای نماز آمده است . در این فضا این دستور بد جلوه خواهد کرد . اما اگر ما در هفت سالگی جشن ادب گرفتیم . به او یاد دادیم که ادب یعنی رفتار ضابطه مند . اکثر ما دلیلی برای آداب نداریم و تنها چون یک ادب است آن را رعایت می کنیم .



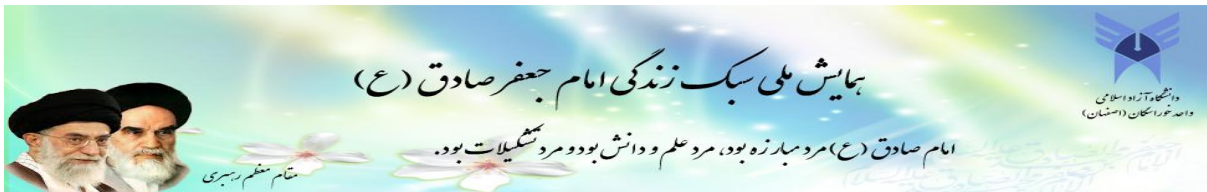
از هفت سالگی بچه برای پذیرش اینها آمادگی دارد. در این صورت خیلی راحت می توانیم به او بگوییم که نماز، ادب در مقابل خدایی است که از سه سالگی با او آشنا شده ایم.

۶-۲-هفت سال بندگی

باید قبل از انتقال مفاهیم دینی، زندگی را به کودک معرفی کنیم.. مادر در خانه برای انتقال مفهوم عبد و اطاعت نقش کلیدی دارد. او با اطاعت از پدر این نقش را ایفا می کند. البته پدرها نیز یک نقش کلیدی دارند. آن هم این است که به مادر محبت کرده و از این طریق، محبت کردن را به بچه ها یاد می دهند. البته این کار را مادر هم می تواند انجام دهد ولی اولویت با پدر است. این پدر است که با محبت کردن به مادر، دختر و پسر خود را متعادل بار می آورد. محبت کردن مادر، تأثیر چندانی ندارد. در نمایی که پدر و مادر برای تربیت فرزند در خانه اجرا می کنند. باید نشان داده شود که پدر با وجود اقتدار یک موجود با عاطفه است. مادر نیز با اطاعت خود این اقتدار را تقویت می کند. عاطفه در کنار اقتدار بیشتر به چشم می آید. اگر مادر اهل محبت باشد برای او فضیلت نیست. چون ذاتاً اینگونه آفریده شده است. اگر پدر محبت کند، باعث رشد بچه ها می شود. نقش ویژه ی مادر نیز اطاعت است. اگر مادر اطاعت نکند، بچه اطاعت کردن از خدا را یاد نمی گیرد. اگر مادر این نقش را ایفا نکند ولی بجای آن بچه ها را به مراسم حفظ قرآن ببرد. بجای یک چادر، سه چادر بر سر آنها بکند. نماز های نافله را به فرزندان خود بیاموزد. در نهایت هیچ نتیجه ای نداشته و بچه ها خراب خواهند شد. پدر و مادر تا هفت سالگی برای بچه مولایی نمی کنند. بچه ریحانه بوده و آنها فقط به او آب داده اند. اما الان زمانی است که باید عبد بودن را از طریق پدر و مادر تجربه کند. پس قدم اول این است که پدر و مادر ارباب شده و بچه عبد باشد. اینجا است که فرزند سالاری لطمه می زند. پدر و مادر باید ارباب منطقی و مهربانی باشند، اما باز هم ارباب باشند. اگر بچه از هفت تا چهارده سالگی ارباب باشد به خود او لطمه می خورد. اگر مادر عاطفه ی زیادی داشته باشد. به حدی که این عبد بودن مخدوش شود. مخصوصاً اگر از کودک در مقابل پدر دفاع کند. ارباب بودن پدر از بین می رود. گاهی نیز پدر در مقابل مادر از بچه دفاع می کند. در این صورت نیز ساختارهای ذهنی کودک که باید مفهوم عبودیت را دریافت کند مخدوش می شود.

۶-۳-هفت سال مصاحبت

پیامبرگرامی اسلام می فرماید: هفت سال دوم زندگی کودک زمان عبد بودن است و هفت سال بعدی نقش وزارت دارد. برای اینکه این عبودیت از جانب پدر و مادر به صورت عملی منتقل شود پدر و مادر از چهارده سالگی خود

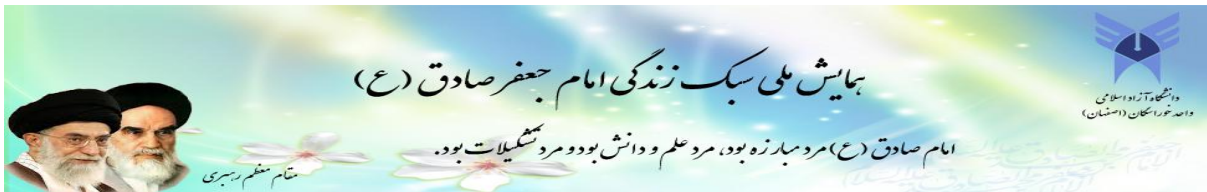


را کنار بکشند . یعنی بگویند که ما دیگر ارباب تو نیستیم و تو با خدا روبرو هستی . ما فقط با تو همفکری کرده و به تو کمک می کنیم . این تو هستی که باید از خدا اطاعت کنی . ما نمی خواهیم که واسطه ی دائمی بین تو و خدا باشیم . ولی در بین هفت تا چهارده سالگی ، پدر و مادر باید مسئله ی اطاعت را جا بیندازند . یک تاکتیک خیلی مهم دیگر هم وجود دارد . اینکه پدر، اطاعت از مادر را توصیه کند و مادر نیز اطاعت از پدر را توصیه کند . مادر با احساسات مادرانه ی خود این مسئله را انتقال می دهد . پدر نیز با شیوه ی پدرانه ی خود این مسئله را منتقل می کند خوب است که با بچه های خود مسئله را در میان بگذاریم . یعنی بگوییم که الان تو سیزده سال داری، یک سال دیگر هم مناسبات ما به همین صورت است . اما بعد از چهارده سالگی من دیگر اصراری برای مدیریت رفتار تو ندارم . اتفاقاً بچه ها به صورت فطری اطاعت کردن را دوست دارند . بچه ها را تشویق کنیم تا در نبود ما نیز رفتار درست را انجام دهند . بچه باید بداند که اگر در آینده گناه کرد . نباید آن گناه را کوچک بشمارد . بلکه بداند که گناه چه موجود بزرگی را انجام داده است . در این هفت سال مادر باید به کودک خود یاد آوری کند که اگر حرف پدر را گوش نداد ، نسبت به چه شخصیت بزرگی نافرمانی کرده است . البته پدر و مادر هم باید مراقب باشند که دستورات عجیب و غریب ندهند تا مسئله لوث نشود . یعنی قیمت فرمان خود را بالا ببرند . همچنین آنها سعی کنند که از روی عصبانیت فرمان ندهند . آنگونه نباشد که هر موقع عصبانی بودند فرمان قاطع بدهند . اما هر وقت که مهربان بودند روی حرف خود باقی نمانند . با این کار بچه متوجه نمی شود که پدر ارباب است . بلکه فکر می کند که پدر یک موجود خشمگین است .

۶-۴-نماز

اگر شما به فرزند خود بگویید که مثلاً نماز خواندن برای تشکر از خدا است ، انصافاً دلیل خوبی نیست . چون او می گوید : پس من هر طور که دوست دارم تشکر می کنم . همین طور نمی توانیم بگوییم که ما ایرانی ها کلاً نماز می خوانیم . تو هم یک ایرانی هستی پس به هویت فرهنگی خود باز گرد . نخواهند کرد . اگر به کودک بگویید که شما نماز می خوانید که خدا را فراموش نکنید . مطمئناً خواهد گفت که من اصلاً خدا را فراموش نمی کنم . باید به او توضیح دهیم که تو عبد بوده و خدا مولای تو است . بین عبد و مولا طبیعتاً فاصله ی طولانی است . و قرار است این عبد و مولا به یکدیگر برسند . اگر این عبد بخواهد به مولا برسد باید او را بسیار یاد آوری کند تا به او متصل شود .

بچه غالباً از پنج سالگی و شاید قدری هم زودتر، می تواند حمد و سوره را کم کم یاد بگیرد . بر پدر و مادر لازم است که یا خودشان و یا به وسیله یکی از فرزندان بزرگ تر به تدریج و به صورت تفریح حمد و سوره را به او یاد

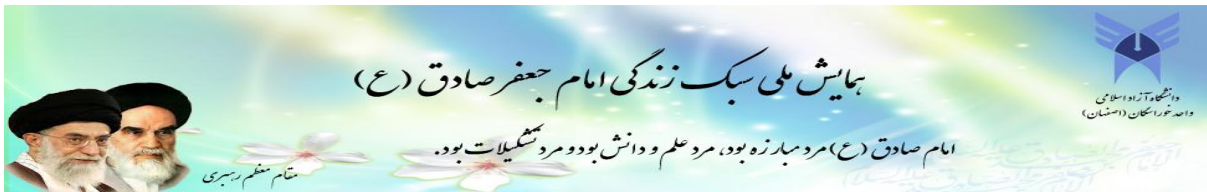


بدهند. سپس بقیه اذکار نماز را با همین منوال به او بیاموزند. وقتی نماز را یاد گرفت و شش ی هفت ساله شد، پدر و مادر دستور می دهند که مرتب نماز را بخوان و اوقات نماز را به او تذکر می دهند. اول وقت خودشان آماده نماز می شوند و به کودک نیز تذکر می دهند که وقت نماز رسیده است، نماز را فراموش نکن. وقتی نه ساله شد، باید به طور قاطع و جدی او را به نماز خواندن وادار کنند و بگویند: از این زمان باید حتماً نمازهایت را بخوانی. برای نماز صبح هم از خواب بیدارش کنند و در سفر و حضر و کلیه حالات، مراقب باشند که نمازش ترک نشود و به این کار تشویق نمایند و در صورتی که در نماز سستی می کند، ابتدا با پند و اندرز و سپس با عتاب و خطاب و در صورت لزوم با تنبیه به نماز خواندن وادارش کنند و هیچ گونه اهمال و سهل انگاری در این باره درست نیست. اگر پدر و مادر خود نماز خوان باشند، با این برنامه می توانند فرزندان خویش را به نماز خواندن عادت دهند، به طوری که وقتی به سن بلوغ رسیدند، خود به خود و بدون فشار نماز را بخوانند و از انجام آن لذت برند. اما اگر پدر و مادر به بهانه این که هنوز به حد تکلیف نرسیده، به نماز خواندن او اعتنا نداشته باشند و تا سن بلوغ آن را عقب بیندازند، انجام آن عبادت در سن بلوغ برای بچه دشوار خواهد بود یا اصلاً زیر بارش نمی رود و اگر هم نمازخوان شود، چندان تقیدی به آن نخواهد داشت و با اندک بهانه ای، ممکن است آن را ترک نماید، زیرا عملی که از زمان کودکی عادی نشده باشد، عادت کردن به آن دشوار خواهد بود. بدین جهت، پیغمبر اکرم و ائمه اطهار به طور اکید دستور می دهند که کودکان را از شش یا هفت سالگی به نماز خواندن عادت بدهید؛ از باب نمونه: امام صادق یا امام باقر (علیهما السلام) فرمود: وقتی بچه هفت ساله شد، به او بگویند دست و صورتش را بشوید و نماز بخواند. ولی هنگامی که نه ساله شد، وضوی کامل و صحیح را به او یاد بدهید و دستور اکید بده نماز بخواند و در صورت ضرورت، با کتک می توانید او را به نماز خواندن وادار کنید... (۱)

(حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، المکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ج ۴، ص ۲۰، ح ۷)

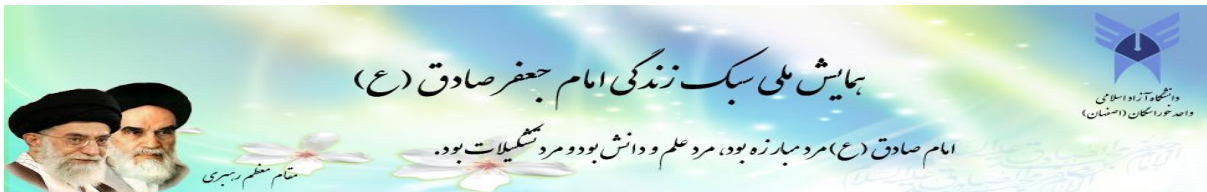
تذکر این نکته را لازم می دانم که اگر چه اسلام در برخی موارد ضروری، زدن کودک را تجویز کرده، ولی در صورتی جایز است که اولاً: تشویق او به نماز خواندن از راه های دیگر ممکن نباشد، ثانیاً: خیلی مختصر و در حد یک هشدار باشد، نه به صورت خشونت، که مبادا موجب عقده گردد و ثالثاً: نباید به گونه ای باشد که شرعاً موجب پرداخت دیه گردد؛ مانند این که بدنش سیاه، سرخ و یا زرد شود، چنان که در احادیث آمده است.

۶-۵- مجالس اهل البیت



کلیدی ترین مفاهیم دینی در ایام محرم، با آهنگ و ریتم سینه زنی و با این شور و احساسات به سهولت به فرزندان ما منتقل می شود. گاهی حتی اشک و عاطفه ای که در چنین مجالسی جریان دارد موثر است. یکی از کلیدی ترین مفاهیم دینی، شهادت است. مفهوم جان دادن در راه خدا و نترسیدن است. مفهوم ظلم ستیزی و طرفداری از مظلوم است. همه ی ما در این مجالس فریاد می زنیم که ای کاش در کربلا بودیم و امام حسین (ع) را یاری می کردیم. در این صورت این افراد دیگر ظلم پذیر نمی شوند. وقتی یک جامعه ای از کودکی با تفکر ظلم ستیزی بزرگ شده باشد، به سمت عدالت سوق پیدا می کند. در این جامعه عدالت گرایی تقویت می شود. شما در هیچ جای دیگر، مانند نماز، قرائت قرآن و در هر الگویی از الگوهای تربیتی و در هر کلاسی از کلاس های آموزشی نمی توانید این مفاهیم را به درستی انتقال دهید. ما ابتدا باید به انتقال فکر کنیم و سپس در خصوص مفهوم صحبت کنیم. در عزاداری های ابا عبدالله الحسین (ع) با سینه زنی این مفاهیم انتقال پیدا می کند. با جوششی که در بچه ها برای اقامه ی عزا و برپایی این مجالس وجود دارد، با سرودها و نوحه هایی که ریتم سنگین حماسی دارند، مفاهیم انتقال پیدا می کند. امام صادق (ع) دارد. می گویند: اظهار محبت به ابا عبدالله الحسین (ع) حتی با پوشیدن لباس سیاه اجر زیادی دارد. برای اینکه آثار تربیتی این کارها بسیار بالا است. الان در جهان مفهوم مظلوم و ظالم از بین رفته است. کسی که تحت تعلیمات غرب آموزش دیده، مفهوم منفعت شخصی را می شناسد. مگر اینکه کسی با فطرت خود از آن تربیت خارج شده باشد. والا در این فرهنگ ظلم و ظالم معنایی ندارد. آن اندیشمندان غربی که زندگی و کار خود را می کند و برای او مهم نیست که از مالیاتی که می پردازد مردم فلسطین قطعه قطعه می شوند، این فرد بویی از انسانیت نبرده است. برای این فرد که اسم خود را دکتر یا مهندس گذاشته است، مهم نیست که دولت او چه جنایاتی را انجام می دهد.

چه کسی می تواند به سهولت تجربه ی محبت غیر خودخواهانه داشته باشد؟ در عزاداری ابا عبدالله الحسین (ع) این اتفاق رخ می دهد. یعنی شما برای امام حسین (ع) اشک می ریزد بدون اینکه خودخواهی مطرح باشد. آنقدر او را دوست دارید که اشک می ریزید. بچه ی شما وقتی ببیند که شما عاشقی می کنید به شما مباحثات خواهد کرد مرحوم آیت الله حق شناس به رفقای خود سفارش می کردند که در جلسات غریب شرکت کنند. خود ایشان هم در این جلسات شرکت می کردند. روضه ی خانگی لطف خود را دارد. انتقال مفاهیم دینی به کودکان و نوجوانان بیشتر باید از طریق عمل باشد. وقتی که پدر و مادر خانه ی خود را محل روضه و جلسه قرار می دهند، این فعالیت برای آموزش بخش عمده ای از معارف موثر تر از هر کار دیگری است. ناله و اشکی که در آن مکان ریخته



می شود و نوری که وجود دارد، در تربیت بچه ها موثر است. خوب است که ما بچه های خود را در نور بزرگ کنیم. خلاصه وجود روضه های خانگی را انسان به سختی می تواند پر کند.

در قرآن داریم که وقتی فرعونیان و افراد بد از دنیا می روند، آسمان و زمین برای آنها گریه نمی کند. در روایات داریم که وقتی کسی در جایی عبادت می کند و از دنیا می رود، آن زمین و آسمانی که بالای آن است برای او گریه می کند. خداوند فرشته ای را مأمور می کند که در همانجا با صدا و سبک او این عبادت را تا روز قیامت ادامه می دهد. اجر آن نیز برای آن فرد نوشته می شود. زمان و مکان زنده و موثر هستند. خانه های خود را خالی از روضه ها قرار ندهیم. اثر تربیتی این روضه های خانگی فوق العاده زیاد است.

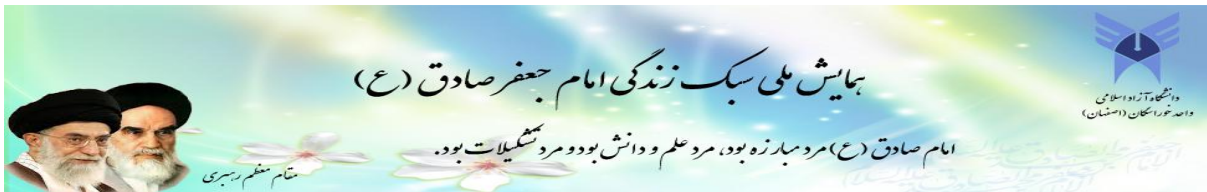
والدین باید شرایطی فرا هم کنند تا کودکان هیبت های مخصوص خود داشته باشند محیط سالم با مدیریت خود کودکان و نظارت والدین. بهتر است مداح، سخنران، و وظیفه ی پذیرایی باخود کودکان باشد. نام گروه، موضوع سخنرانی، مربوط به علی اصغر یا رقیه باشد زیرا کودکان با الگوهای نزدیک به سن خود بهتر ارتباط برقرار می کنند. همچنین بهتر است زمانی که از امامان و شهدا برایشان صحبت می کنیم بیشتر از دوره های از زندگی آن بزرگواران سخن گویم که به سن کودک نزدیک تر است تا تاثیر بیشتری بر روی کودک بگذارد.

۶-۶- نبوت و امامت

هم چنین در مورد نبوت و امامت باید کم کم با کودک گفت و گو کنند. ابتدا حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) را به عنوان پیغمبر به او معرفی نمایند. سپس به تدریج صفات و خصائص آن جناب و شرایط پیامبر را برایش بیان کنند. آن گاه درباره نبوت عامه و اصل لزوم پیامبر و شرایط او برایش توضیح دهند. هم چنین درباره امامت.

۶-۷- معاد

اما درباره معاد شاید ذهن کودک دیرتر از سایر مسائل برای فهم آن آمادگی پیدا کند. کودک خردسال معنای مرگ را به خوبی نمی فهمد، و شاید خیال می کند که خودش و بابا و ماما همیشه زنده خواهند ماند. شاید مردن را مانند یک سفر طولانی تصور کند. مادامی که کودک به مردن توجه پیدا نکرده لزومی ندارد و شاید صلاح هم نباشد که در این باره با او صحبت شود. اما خواه ناخواه حوادثی پیش می آید که کودک را متوجه مرگ می سازد و پدر و مادر ناچارند آن حقیقت را با او در میان بگذارند. ممکن است مرگ یکی از خویشان یا یکی از دوستان و آشنایان کودک را به فکر مرگ بیندازد. و از پدر و مادر سؤال کند که مثلاً پدر بزرگ کجا رفته و چه شده است؟ در این جا باید حقیقت را با کودک صریحاً در میان گذاشت. دروغ و کتمان واقع، صلاح نیست، می توان به کودک پاسخ داد که:



پدر بزرگ مرده است، دیگر نفس نمی کشد، غذا نمی خورد و نمی تواند حرکت کند. او به جهان آخرت رفته است. خدا جهان دیگری دارد به نام جهان آخرت. هر کس بمیرد به آن جهان می رود. اگر نیکوکار باشد خوش و خرم در بهشت زندگی می کند و اگر بدکار باشد به دوزخ خواهد رفت.

۶-۸-روزه

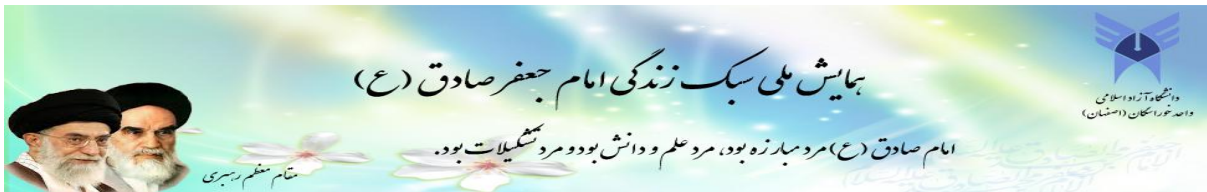
امام صادق (علیه السلام) فرمود: وقتی کودک شش ساله شد، باید نماز بخواند و وقتی توانست روزه بگیرد، باید روزه بگیرد.

(حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، المکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ص ۱۹، ح ۴)

در مورد روزه هم باید کم کم کودک را به آن عادت داد. خوب است کودکانی را که به سن تمیز رسیده اند، برای مراسم سحر بیدار ساخت تا به جای صبحانه سحری بخورند و با این مراسم انس بگیرند. وقتی بچه توانایی روزه گرفتن پیدا کرد، لازم است او را تشویق کنند که گاه گاه روزه بگیرد و اگر حیثاً بی تاب شد، می توانند در وسط روز به او آب یا غذای مختصری بدهند. به تدریج تعداد روزه هایش را زیاد کنند، البته به مقدار توانایی نه زیادت. وقتی به سن بلوغ رسید، به او بگویند: تو از امروز بالغ شده ای، باید نمازهایت را بخوانی و روزه هم بگیری و آنگاه کار خواهی بود. خوب است فضایل و ثواب های روزه را نیز برایش بگویند تا قدرت تحملش بیش تر شود. در ایام ماه رمضان کارهایش را سبک کنند تا بهتر بتواند روزه بگیرد. در آخر ماه رمضان هم می توانند به عنوان عیدی و جایزه، چیزی به او بدهند. در طول روز هم باید از او مراقبت کنند، مبادا مخفیانه روزه اش را افطار نماید.

۶-۸-اثر گناه در کودک

در پایان لازم است یادآور شویم که گرچه کودک قبل از سن شرعی بلوغ تکلیف ندارد و هر کار بکند، گناهی برایش نمی نویسند، اما پدر و مادر حق ندارند بدین بهانه فرزندان خویش را قبل از بلوغ کاملاً آزاد بگذارند که هر عمل خلافی را مرتکب شوند. زیرا درست است که کودک حکم تکلیفی ندارد، اما حکم وضعی اعمال از او ساقط نیست؛ مثلاً بچه ای که شیشه مردم را بشکند، محصول مردم را خراب کند و یا ضرر مالی به کسی وارد سازد، مدیون مردم است که بعد از بلوغ باید از عهده خسارات آن ها برآید و پرداخت ضررهایی که به دیگران وارد ساخته، واجب و لازم است. هم چنین اگر ضرر عضوی به کسی وارد ساخت و مثلاً چشمش را کور یا گوشش را قطع یا دستش را فلج نمود، وقتی بزرگ شد واجب است دیه شرعی آن جنایت را بپردازد. به هر حال احکام وضعی



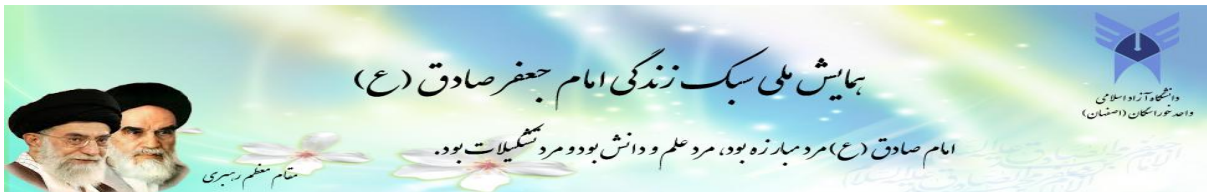
از بچه ساقط نیست و پدر و مادری که به فرزند خویش علاقه دارند، باید مواظب باشند این کارها از او صادر نشود. از طرف دیگر، اگر بچه را قبل از بلوغ آزاد بگذارند که مرتکب کارهای خلاف شرع شود، طبعاً به کارهای گناه و خلاف شرع عادت می کند، به طوری که بعد از بلوغ نمی تواند از عادت های سابقش دست بردارد. بنابراین، پدر و مادر باید حدود واجبات و محرمات را از کودکی به فرزندانشان یادآور شوند و از انجام کارهای حرام و خلاف شرع جلوگیری کنند و آنان را به انجام واجبات و کارهای نیک عادت دهند.

۷- بازی کودک از منظر اسلام

بازی و سرگرمی برای کودکان و نوجوانان یک خصیصه طبیعی به حساب می آید و زمینه رشد جسمانی و روانی آنها را فراهم می کند وقتی کودک در بازی های گروهی شرکت می جوید، روحیه تعادل و خویشتنداری او تقویت می شود و از تجربیات و لیاقت دیگران استفاده می کند و بر توانایی های شخصی خویش می افزاید. حضور بزرگترها - هرچند به مدت محدود - در این بازی ها، بها دادن به شخصیت کودک به حساب می آید. برخی از بازی های خوب ممکن است باعث انتقال برخی از رفتارهای پسنندیده و مسائل تربیتی شود. اسلام به این نیاز طبیعی کودکان توجه جدی دارد. امامان (ع) علاوه بر اینکه کودکان را در بازی کردن آزاد می گذاشتند، خود نیز در بازی های آنان شرکت می کردند و با حضور خود در فضای با طراوت بازی، به شخصیت آنها احترام می گذاشتند.

امام صادق علیه السلام نیز در کودکی، افزون بر شرکت در بازی هایی که با دویدن و جهیدن همراه بود، به بازی های فکری با دوستانش مشغول می شد. برای نمونه، در یکی از بازی ها امام جعفر صادق علیه السلام می نشست و استاد می شد و دیگر کودکان، شاگرد او می شدند. او نام میوه ای را می خواست که برای نمونه بر درخت یا زمین می روید؛ رنگ آن قرمز است و طعم شیرین یا ترش دارد و فصل آن همین فصل است. هرکس نام او را می گفت، استاد می شد و گروه را رهبری می کرد. گاهی بعضی از کودکان از روی شوخی نام میوه ها را عوض می کردند و پاسخ اشتباه می دادند. حضرت به دلیل فقدان صداقت بعضی از هم بازی هایش، بازی را ترک می گفت. ولی با خواهش بقیه دوستانش که می گفتند بازی بدون او رنگی ندارد، دوباره به بازی بر می گشت.

در بازی دیگر حضرت، باز هم استاد و دارای چند شاگرد بود. استاد، به عنوان مثال، کلمه «الشراعیه» و کلمات هم وزن آن مانند «الصفائیة»، «الداعیه» را می گفت، اگر چه بی معنا باشد و شاگرد باید پیوسته همان کلمه نخست را تکرار می کرد. با رخ دادن اشتباه، شاگرد از بازی خارج می شد و دیگری جای او را می گرفت. این دونمونه از



بازی های امام صادق علیه السلام در دوران کودکی بود و هدف از آنها، تمرکز ذهن و سلیس شدن تکلم و افزایش گنجینه لغات بود. امام به جز این دو مورد، در بازی های دیگر که با دویدن و جهیدن همراه بود نیز شرکت می کرد.

(منطقی، مرتضی، روانشناسی تربیتی، تهران، نشر جهاد دانشگاهی، چاپ اول ۱۳۷۲ ج ۲، ص ۵۵۹ و ۵۶۰)

کوه نوردی، شنا، اسب سواری و مسابقات تیراندازی، در روایات گوناگون از پیشوایان دین از ورزش های مفید دانسته شده است. البته توصیه شده دخترها اسب بدون کجاوه سوار نشوند زیرا بر آلت تناسلی آنها تاثیر می گذارد؛ به طبع استفاده از دوچرخه نیز برای آنها مناسب نیست.

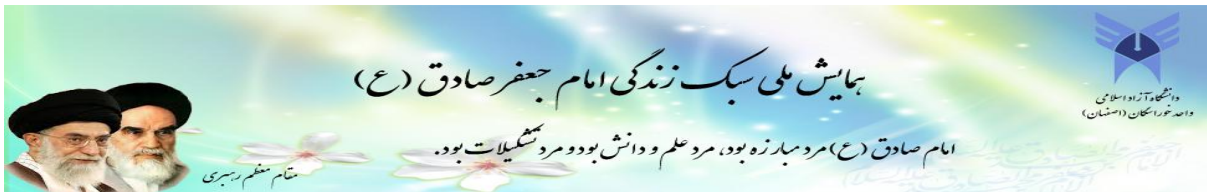
امام صادق (ع) نقل کرده اند: «روزی پیامبر (ص) به منزل فاطمه (س) وارد شد.

امام حسن و امام حسین (ع) با او بودند. پیامبر (ص) به آنها فرمود: برخیزید و با هم کشتی بگیرید. فاطمه زهرا (س) که برای کاری بیرون رفته بود، بر آنها وارد شد و مشاهده کرد که پیامبر اکرم (ص) می فرماید: عجله کن حسن بر حسین سخت بگیر! فاطمه (س) تعجب کرد و فرمود: آیا بزرگتر را بر کوچکتر تشویق می کنید؟ پیامبر (ص) فرمود: من حسن را تشویق می کنم در حالی که برادرم جبرئیل حسین را تشویق می کند و می گوید: یا حسین، بر حسن سخت بگیر.»

(مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ ج ۱۰۳، ص ۱۸۹)

در فرهنگ دینی، سرگرمی های مطلوب و مشروع سفارش شده است. تلاش و سرگرمی های مفید و مصلحت آمیز، زمینه تربیت و تشویق کودکان و نوجوانان سوی اقدامات مفید را فراهم می آورد. امروزه نظام های سلطه گر و حاکمان زورگو نیز از ورزش به عنوان ابزاری در جهت خواسته های مادی و سیاسی خویش بهره می گیرند؛ زیرا اگر ورزش از حالت ابزاری و تندرستی و سلامتی جسمانی و روانی خارج شود و به شکل هدف درآید، ایده آل ها و مقصدها در میدان ورزش و رقابت خلاصه می شود و افکار جوانان به برنده شدن و مغلوب ساختن رقیب محدود می گردد. پس ورزش بهره هایی دو سویه دارد: از یک سو مقدمات تلاش، خلاقیت و طراوت جسمی و روانی را فراهم می کند و افکار را به سمت اهداف مقدس سوق می دهد و اگر یک قهرمان دشمن خود را شکست داد و بر رقیب پیروز شد، به یاد خدا می افتد و متواضع می گردد و شخصیتش متین می شود.

از سوی دیگر اگر همین ورزشکار ابزاری در دست سیاست بازان شد، به مسائل مادی اندیشید، افکارش فراتر از میدان رقابت های ورزشی نمی رود و از باروری باز می ماند. ورزش برای کودکان و بزرگسالان، دشمن تنبلی و



کسالت روحی و موجب شادابی افراد است. انسان هایی که ورزش نمی کنند، اغلب دچار سستی، بی حالی و بی حوصلگی می شوند، در حالی که فقط با ده دقیقه نرمش صبحگاهی می توانند شادابی روانی و جسمی خود را باز یابند.

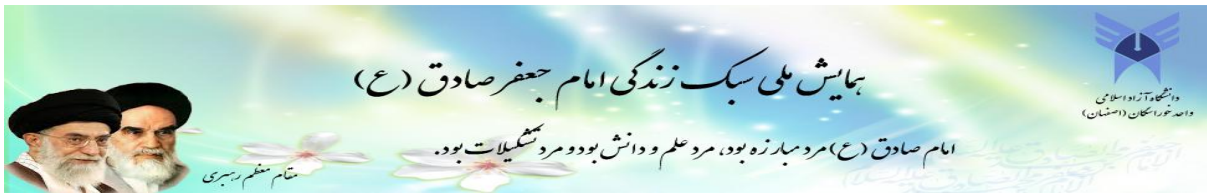
کودکان در ورزش های گروهی، دوستی، رقابت، افتخار، برنده شدن و بروز شخصیت را که در درون پنهان می داشتند ظاهر می کنند؛ زیرا در صحنه بازی های منظم ورزشی از هم بازی های خود چیزهای خوبی فرا می آموزند. از جمله آثار مطلوب ورزش، تقویت جنبه های جسمانی است ولی عمده اثری که در ورزش وجود دارد، تقویت فکری، اعتماد به نفس، درک میزان توانایی خود و رقیب و باور کردن دیگران است. که اینها سبب می شود تا عقل و خرد کودکان پرورش یابد و رشد کند. طبع کودکان بازی کردن است و برای رشد آنان بسیار مفید است. تا آنجا که گفته اند:

«ورزش هایی که به کودکان داده می شود، باید چنان باشد که به تربیت قوای فکری و نظم روحی آنان منتهی گردد، بدین معنا که تکوین اخلاق کنند و ایجاد منش نمایند و عادت مطلوب را پایه گذارند و یا حس ابتکار را بیدار کنند و این همه را ضمن بازی کردن می توانند بهتر از هر گونه درسی یاد بگیرند؛ زیرا که اثر چنین آموزشی ضمن بازی ها، تا پایان عمر باقی می ماند.»

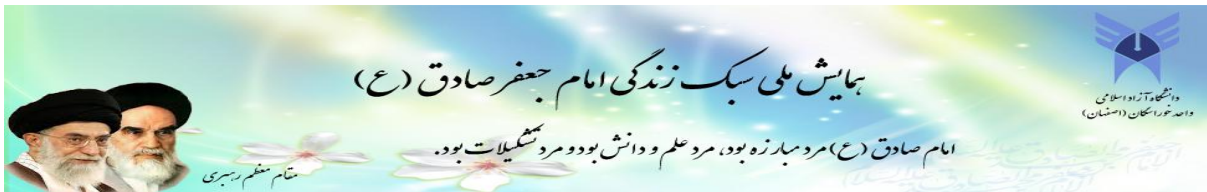
در ورزش های سنتی و زورخانه ای، مقررات خاصی وجود دارد و ورزشکاران ضمن حرکات، ورزشی شعارهای مذهبی و مدح مولا علی (ع) و ... بر زبان جاری می کنند. فضای چنین ورزشگاه هایی پر است از شعارهای مذهبی و فرهنگی. در ورزش در چنین محیطی آثار تربیتی و آموزشی و اخلاقی بسیاری نهفته است.

بازی از نظر جسمی سبب هماهنگی عضلات و اعضای بدن می شود. کودکانی که فرصت بازی داشته اند، چُست و چالاک اند و بیشتر برای رویارویی با سختی های زندگی آماده می شوند، بنابراین، در برابر مشکلات و ناملایمات صبور و پایدار خواهند بود.

بازی، رشد هوشی کودکان را تسریع می کند. کودکانی که اصلاً اسباب بازی ندارند یا امکانات کمی برای بازی دارند، از نظر هوشی و شناختی، از همسالان خود عقب ترند. متأسفانه زندگی امروز بازی رایگان در دشت و کوه با هم سن سال های فامیل را از کودکان ما گرفته و بجای آن باشگاهها را به آنها تحویل داده، که هم پر خرجند و هم سلطه مربی روی آنها آزادی عملشان را محدود کرده و مهمتر از همه حضور قشرهای مختلف، توان نظارت والدین بر هم بازی های فرزندانشان را غیر ممکن کرده است. به همین علت خانواده ها ترجیح میدهند



کودکانشان در خانه بازی کنند که باز هم به علت وجود خانه های کوچک و پراز اساسیه تنها بازی ممکن تماشای تلوزیون و بازی های کامپیوتری است که مضرات آن بر کسی پوشیده نیست.



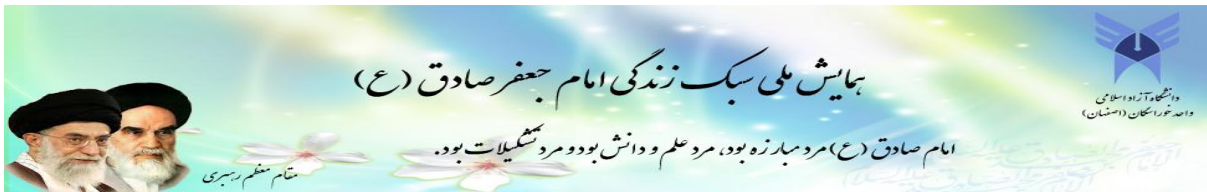
نتیجه گیری

جامعه‌ی که در آینده پیشروست بر ایند تربیت امروز فرزندان است. انسانهای الهی می‌توانند جامعه را الهی کنند و دل‌های بشریت را سمت و سوی خدای دهند. دل‌ها که جهت گرفت به سمت تشکیل تمدن اسلامی حرکت می‌کنند. و انسان، زمین و زمان به غایت خود می‌رسد.

منابع

۱. الطبرسی، رضی‌الدین ابی‌الحسن بن‌فضل، مکارم‌الاخلاق، مؤسسه‌الاعلمی، ۱۳۹۲

۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه‌الوفا، ۱۴۰۳



۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، المکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷
۵. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه آیت الله کوه کمره ای، انتشارات اسوه، چاپ چهارم، ۱۳۷۹
۶. شعبان دخت، علی اصغر، تربیت کودک از منظر آموزه های دینی، قم، موسسه مشهور، ۱۳۹۰
۷. منطقی، مرتضی، روانشناسی تربیتی، تهران، نشر جهاد دانشگاهی، چاپ اول ۱۳۷۲
۸. ابوجعفر صدوق، محمد بن علی، بن الحسین بن بابویه القمی، من لایحضر الفقیه، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۸.
۹. محمدی ری شهری، محمد، حکمت نامه کودک، عباس پسندیده، قم، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۸۴
۱۰. امینی، ابراهیم، تربیت، قم، موسسه بوستان کتاب، چاپ هشتم ۱۳۹۱
۱۱. میخبر، سیما، ریحانه بهشتی یا فرزند صالح، قم، نورالزهرا (س) ۱۳۸۲
۱۲. شجاعی، محمد صادق، بازی کودک در اسلام، قم، بوستان کتاب، چاپ چهارم ۱۳۸۹
۱۳. حسین پور علویه، محمود، نقش مادران در تربیت فرزندان، قم، جوانان موفق ۱۳۸۸
۱۴. لقمانی، چگونه فرزندان مابا حجاب می شوند؟، قم، بهشت بینش، چاپ دوم، ۱۳۸۹
۱۵. طاهرزاده، اصغر، فرزندم اینچنین باید بود؟ جلد اول و دوم، اصفهان، لب المیزان ۱۳۸۳-۱۳۸۷
۱۶. محدث نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، موسسه آل البیت، ۱۸ جلد، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق
۱۷. جیم گینوت، پیوندهای کودک و خانواده، ترجمه تقی زاده میلانی، چاپ اول، تهران، نشر اندیشه، ۱۳۵۶